

Diplomacy of International Organizations; Iran and Membership in BRICS

Yasser Ghaemi¹

Farhad Daneshnia²

Abstract

With regard to the foreign policy of looking to the East, competing with the West and communicating with third world and developing countries, Iran is always interested in participating and being a member of regional and extra-regional organizations that the political system is not pessimistic about and that do not conflict with the principles of the Islamic Revolution. An opportunity is welcome. Using the theories of realism about the role, position and purpose of establishing international institutions and organizations, the present essay analyzes the structure, nature and position of the BRICS extra-regional group and analyzes Iran's membership in the BRICS group. The question of the current research is, what effects and consequences will Iran's membership in the BRICS group have for this country? According to the realist point of view, it is evident that BRICS is a balancing tool for China against American hegemony, but the Islamic Republic of Iran, by being a member of BRICS and accompanying the hegemony of China (and Russia) as a desirable partner against the dominant hegemony (America) while accompanying China in confronting the threat of American hegemony and the creation of a multipolar system, there are other benefits such as the development of relations with the South from East Asia to Africa and South America, the development of trade and regional exchanges (South), the development of civil and economic infrastructures, attracting foreign capital, energy exchanges and oil sales, lifting and neutralizing sanctions, and finally turning Iran into an international highway will benefit.

Keywords: BRICS group, China, international organizations, realism, hegemony.



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۳، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دیپلماسی سازمان‌های بین‌المللی؛ ایران و عضویت در بریکس

1- PhD candidate in Political Science from Razi University, Kermanshah, Iran
yasserghaemi@yahoo.com

2- Associate Professor of International Relations, Razi University
fadaneshnia@gmail.com

یاسر قائمی^{۱*}

فرهاد دانش نیا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

چکیده

عضویت در ائتلاف‌ها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند برای کشورها کسب پرستیژ کند و منابع سیاسی و اقتصادی به همراه داشته باشد. در خصوص حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی باید گفت که از ابتدای انقلاب اسلامی نوعی بدبینی به سازمان‌های بین‌المللی با محوریت غرب و آمریکا، درون نظام وجود داشت. اما ایران با عنایت به سیاست خارجی نگاه به شرق، رقابت با غرب و ارتباط با کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، همواره از حضور و عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که نظام سیاسی به آنها بدبین نبوده و با اصول انقلاب اسلامی متعارض نیستند به عنوان یک فرصت استقبال می‌کند. جستار حاضر با بهره‌گیری از نظریات واقع‌گرایی در مورد نقش، جایگاه و هدف تأسیس نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، ضمن تشریح ساختار، ماهیت و جایگاه گروه فرامنطقه‌ای بریکس، عضویت ایران در گروه بریکس را مورد واکاوی قرار می‌دهد. سؤال پژوهش حاضر این است که، عضویت ایران در گروه بریکس چه آثار و پیامدهایی برای این کشور خواهد داشت؟ این مسئله با توجه به دیدگاه رئالیستی، مبرهن است که بریکس ابزار موازنه سازی چین در برابر هژمونی آمریکا است، اما جمهوری اسلامی ایران با عضویت در بریکس و همراهی با راهبردهای چین (و روسیه) به عنوان شریک مطلوب در برابر هژمونی مسلط (آمریکا)، ضمن همراهی با چین در مقابله با انگاره و هنجار تهدید هژمونی آمریکا و ایجاد نظام چندقطبی، از مزایایی دیگر همچون توسعه روابط با جنوب از شرق آسیا تا آفریقا و آمریکای جنوبی، توسعه تجارت و مبادلات منطقه‌ای (جنوب)، توسعه زیرساخت‌های عمرانی و اقتصادی، جذب سرمایه‌های خارجی، مبادلات انرژی و فروش نفت، رفع و بی‌اثر کردن تحریم‌ها و نهایتاً تبدیل ایران به شاه راه بین‌المللی بهره خواهد گرفت. بنابراین، بر اساس دیدگاه رئالیستی، همکاری غیر ممکن نیست، بلکه زمانی که در اختیار منافع ملی و قدرت باشد می‌توان از آن بهره گرفت. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی به نگارش درآمده است.

واژگان کلیدی: گروه بریکس، چین، سازمان‌های بین‌المللی، واقع‌گرایی، هژمونی.



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۳، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

۱- کاندیدای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)
yasserghaemi@yahoo.com

۲- دانشیار روابط بین الملل دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
fadaneshnia@gmail.com

مقدمه

دولت‌ها با هدف طرح مسائل و اختلافات، بهره‌گیری از تجارب و امکانات و نیز با انگیزه به دست آوردن وجهه بین‌المللی و مشارکت در تنظیم قواعد و مقررات بین‌المللی و همچنین طرح آزادانه سیاست‌ها و مواضع در قبال مسائل مختلف، در سیاست خارجی خود به سازمان‌های بین‌المللی جایگاه رفیعی بخشیده‌اند. اولین نمود حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی حضور در جامعه ملل بود (آقایی، ۱۳۸۱: ۲۵-۴). ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود همواره نیازمند حضور فعال و پررنگ در عرصه بین‌المللی و شرکت در ترتیبات و سازمان‌های بین‌المللی است. با وقوع انقلاب اسلامی و بعد از آن جنگ تحمیلی و شکل‌گیری یک انزوای سیاسی و اقتصادی پیرامون جمهوری اسلامی ایران، این کشور به ابزارها و نهادهایی برای خروج خود از انزوا و ایجاد تبادل و مراودات بین‌المللی نیاز اساسی داشت و یکی از این ابزارها و فرصت‌ها حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود. مسئله حاضر زمانی اهمیت آن دو چندان می‌شود که به این مسئله واقف باشیم در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های بی‌سابقه، جمهوری اسلامی ایران به یک دیپلماسی اقتصادی فعال در سازمان‌های بین‌المللی نیاز دارد.



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۲، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

اوایل انقلاب اسلامی و در دوران دولت موقت، جمهوری اسلامی یک رابطه تعریف شده و محدود را با سازمان‌های بین‌المللی داشت که دوره‌ای کوتاه بود و با شروع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، دوره مقابله و مواجهه با سازمان‌های بین‌المللی شروع شد و تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت. با پایان جنگ تحمیلی و حاکم شدن گفتمان «واقع‌گرایی اقتصاد محور»، همگرایی و همزیستی با سازمان‌های بین‌المللی مجدداً شکل گرفت و در دوران سید محمد خاتمی گسترش یافت و حتی جمهوری اسلامی به طور محدود در سازمان‌های بین‌المللی نقش آفرینی داشت (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۵۶-۱۲۵). سیاست حضور در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در دولت‌های بعدی جمهوری اسلامی نیز با فراز و فرودهایی پیگیری شد و ایران به عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر گذاری همچون «سازمان همکاری شانگهای» (۲۰۲۳) درآمد.

ریترگر در باب چرایی تکوین سازمان‌های بین‌المللی از سه رویکرد یا موقعیت یاد می‌کند. یکی از این سه رویکرد، رویکرد هژمونیک است که بر اساس آن، سازمان‌های بین‌المللی، چیزی جز تأمین منافع قدرت مسلط نخواهد بود و دولت هژمون سازمان‌های بین‌المللی را ایجاد می‌کند تا منافع و ارزش‌های خود را در سطح نظام بین‌الملل یا منطقه پیش برد (رنجکش و احمدی نیک، ۱۳۹۷: ۲). در خصوص نقش و ماهیت گروه بریکس، بسیاری از اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب نظران بر این نظر و اعتقاد می‌باشند که این سازمان، چیزی جز ابزار تأمین منافع چین نیست و یکی از اهرم‌های موازنه سازی هژمونی چین در برابر هژمونی مسلط آمریکا است و چین این سازمان‌ها و گروه‌ها را ایجاد می‌کند که قدرت و نفوذ خود را در سیاست و اقتصاد جهانی در برابر غرب و آمریکا افزایش دهد و دیگر کشورهای عضو چیزی جز یک بازار فروش برای اقتصاد چین نیستند، مسأله‌ای که دیدگاه‌های واقع‌گرایانه که در این جستار از آن بهره گرفته شده است بر آن تأکید دارند. اما فرضیه جستار حاضر این است که جمهوری اسلامی ایران با عضویت در گروه بریکس، در کنار همراهی با چین، می‌تواند مزایایی همچون توسعه روابط با جنوب (جنوب-جنوب) از شرق آسیا تا آفریقا و آمریکای جنوبی، توسعه تجارت و مبادلات منطقه‌ای (جنوب)، توسعه زیرساخت‌های عمرانی و اقتصادی، جذب سرمایه‌های خارجی، مبادلات انرژی و فروش نفت، رفع و بی‌اثر کردن تحریم‌ها و نهایتاً تبدیل ابران به شاه راه بین‌المللی را حاصل کند. بنابراین، بر اساس دیدگاه رئالیستی، همکاری غیر ممکن نیست، بلکه زمانی که در اختیار منافع ملی و قدرت باشد می‌توان از آن بهره گرفت. در سال‌های گذشته و در دولت سید ابراهیم رئیسی سیاست خارجی ایران بر محور روابط با جنوب قرار گرفته و روابط جنوب-جنوب اصل اساسی اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهد که یکی از محورهای این سیاست‌ها عضویت در گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با محوریت جنوب است. این نوشتار با بهره‌گیری از نظریه‌های واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی در مورد سازمان‌های بین‌المللی و به روش تحلیلی-توصیفی و با استناد به داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی چارچوب بندی علمی شده و به رشته تحریر درآمده است.

۱- ادبیات پژوهش

بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی شاهد نظام تک قطبی و هژمونی آمریکا در سطح بین‌الملل بودیم، اما در سال‌های اخیر اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه قدرت گرفته‌اند که نظام تک قطبی به رهبری آمریکا را به چالش کشیده‌اند. کشور چین با اقتصادی قدرتمند و با جمعیت عظیم نیروی کار و کشور ایران با موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک

و توان نظامی قابل توجه، از جمله کشورهایی هستند که به دنبال به چالش کشیدن هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل هستند. چین با افزایش روزافزون توان اقتصادی و ایجاد اتحادهای تجاری، اقتصادی و سیاسی به دنبال ایجاد یک جبهه در مقابل یک جانبه گرایی آمریکا و غرب است و در کنار آن ایران با استفاده از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های جغرافیایی، سیاسی و نظامی خود و با تکیه بر سیاست خارجی جنوب گرایانه و تشکیل روابط جنوب-جنوب و همکاری با چین و عضویت در اتحادها، گروه‌ها و سازمان‌ها منطقه‌ای و بین‌المللی همچون بریکس و شانگهای، سعی در مقابله با یکجانبه گرایی آمریکا و موازنه سازی با غرب دارد.

مقالات متعدد و بسیاری در خصوص همکاری ایران با چین و عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای در حال توسعه به نگارش درآمده است. اهمیت مقاله حاضر از این جهت است که در کنار پاسخ به سؤال اصلی پژوهش به سؤال‌های زیر پاسخ می‌دهد؛ دلیل علاقه ایران به عضویت در بریکس و سایر نهادهای با محوریت چین چه چیزی است؟ عضویت در گروه بریکس چه منافعی برای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ منظور از سیاست خارجی جنوب گرایانه ایران و روابط جنوب-جنوب در سیاست خارجی دولت ابراهیم رئیسی چیست؟ در جستار حاضر سعی شده که به تمامی سؤالات مطرح شده پاسخ مقتضی داده شود و با یک نگاه جامع و جزئی نگر و از دریچه اقتصاد سیاسی به مسائل نگاه شود که حداقل تا این زمان مشابه آن انجام نگرفته باشد. در ادامه به تعدادی از مقالاتی که در این زمینه نگارش یافته اشاره خواهد شد.

میلاد منصوری، محمد ترابی و ماشاءالله حیدرپور (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل راهبرد توسعه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی گروه بریکس، چشم انداز آینده»، به مسئله راهبرد کشورهای عضو گروه بریکس می‌پردازند و بیان داشته‌اند که راهبرد توسعه قدرت‌های نوظهور بریکس بر مبنای توسعه انسانی نسبی مبتنی بر بهره برداری از منابع داخلی، استفاده از فرصت‌های سیاسی و اقتصادی خارجی، همسویی شاخص‌های اقتصادی و افزایش مبادلات تجاری قابل ارزیابی می‌باشد و از سیطره نظام لیبرالی به سمت نظم جدیدی در حرکت است.

محمدباقر خرمشاد و عبدالرضا سیفی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، بیان داشته‌اند که، کشورهای برزیل، روسیه، چین، هند و آفریقای جنوبی با تشکیل گروه کشورهای بریکس، بلوک قدرت جدیدی را تشکیل داده‌اند که از قدرت قابل توجه و روبه رشدی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی برخوردارند و

می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در مناسبات بین‌المللی ایفا کنند. در این مقاله به این سؤال پاسخ داده می‌شود: چه عواملی در ارتقای سطح همگرایی بین ایران و بریکس مؤثر است؟ باتوجه به رویه و اصول ثابت انقلاب اسلامی مبنی بر وابسته نبودن به قدرتهای بزرگ، نفی سلطه پذیری و سلطه جویی، عدالت طلبی، نبود وابستگی، حمایت از حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و همچنین مخالفت و تلاش گسترده جمهوری اسلامی در نقد و به چالش کشیدن نظم تک قطبی آمریکا محور مشاهده می‌شود. همگرایی مشهودی میان اهداف گروه بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. همسویی بریکس با جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای موازنه سازی نرم در قبال ایالات متحده نقشی اساسی در نگاه ج.ا.ایران برای ارتقای سطح همکاری با بریکس داشته است.

عنایت الله یزدانی و سعیده مرادی‌فر (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین تأثیر و نقش بریکس بر نظم جدید جهانی»، بیان داشته‌اند که، عملکرد بریکس برای به چالش کشیدن هژمونی غرب و افزایش احتمالی قدرت سیاسی و اقتصادی بریکس برای تحول در نظم جهانی بررسی می‌شود و نگارندگان درصدد پاسخگویی به این پرسش‌اند که بریکس چگونه می‌تواند موجب تغییر نظم بین‌المللی در آینده گردد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بریکس، به عنوان بازیگر سیاسی بین‌المللی، می‌تواند عامل مهمی در تغییر دستور کار بین‌المللی و تبدیل نظم جهانی تک قطبی به چند قطبی باشد. این احتمال می‌رود که بریکس موجب ظهور الگوی جدیدی در نظم لیبرال گردد.

محمدرضا دهشیری و زهرا بهرامی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نگاه استراتژیک چین به بریکس»، بیان داشته‌اند که، قدرت نوظهور چین با حاکم شدن دوران گذار در نظام پساجنگ سرد تلاش نموده است با افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی ضمن چرخش سیاست خارجی خود به سمت سیاست مسالمت آمیز با استفاده از نهادها و ائتلاف‌های موجود در حوزه‌های گوناگون از جمله ائتلاف سیاسی و اقتصادی بین قاره‌ای بریکس سهم خود را از قدرت جهانی افزایش دهد و ساختار جهانی را به سمت سیستم چندجانبه، منصفانه، عادلانه و متعادل در جهت زمینه سازی برای حضور سایر بازیگران بین‌المللی متمایل نماید. چین به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اعضای بریکس از جایگاه مطلوب‌تری نسبت به سایر اعضا به دلیل رشد بالای اقتصادی و نفوذ مطلوب سیاسی در عرصه جهانی برخوردار است. چین در چارچوب نهادگرایی نئولیبرال درصدد است در دوران گذار از رهگذر تقویت همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در قالب نهادهای گوناگون از جمله بریکس، زمینه ساز ایجاد سیستم چند جانبه متعادل گردد.

اکبر ولی‌زاده و سید محمد هوشیال السادات (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «ایران و بریکس؛ عامل انرژی»، بیان داشته‌اند که، مراکز مصرف، تولید و نوآوری دیگر تنها در اقتصادهای غربی متمرکز نیستند، بلکه در حال تغییر به سمت اقتصادهای نوظهور در قاره‌های مختلف، به ویژه چین، روسیه، برزیل و هند و همچنین آفریقای جنوبی به نام BRICS هستند. یکی از موضوعات محوری برای آینده این ائتلاف جدید، امنیت انرژی است. تقاضای جهانی برای انرژی اولیه در سال‌های آینده نیز افزایش خواهد یافت. در نتیجه، روابط گسترده انرژی با سایر کشورهای نفتی و گازی مانند اوپک به طور کلی و ایران به طور خاص بسیار مهم به نظر می‌رسد. دوم، ایران به عنوان دومین کشور در سراسر جهان از نظر ذخایر ترکیبی فسیلی، از موقعیت ژئواکونومیک برجسته‌ای بهره می‌برد. بدیهی است که ایران می‌تواند نقش برجسته‌ای در این زمینه ایفا کند. بنابراین، می‌توان این سوال را مطرح کرد که چالش‌ها و فرصت‌های اصلی ایران و بریکس در هرگونه تعامل بالفعل و بالقوه در حوزه انرژی چیست.

ارکینخون رحمتولوزودا (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «ایران و بریکس: واقعیت‌ها، انتظارات و چشم‌اندازها»، بیان می‌دارد: یکی از گروه‌هایی که توجه جامعه جهانی را به خود جلب کرده است، گروه بریکس است که شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است و مصر، ایران، امارات و اتیوپی در اوایل سال جاری به آن پیوستند. این کشورها با برخورداری از منابع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل توجهی، تلاش می‌کنند تا نظم جهانی جدیدی را مبتنی بر عدالت، برابری و احترام متقابل شکل دهند. ایران، کشوری با تاریخ غنی و موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد، اخیراً علاقه خاصی به همکاری با گروه بریکس نشان داده است. این امر نه تنها با تمایل ایران به تنوع بخشیدن به روابط بین‌الملل خود، بلکه با دیدگاه‌های مشترک در مورد بسیاری از مشکلات جهانی از جمله نیاز به اصلاح نظام مالی بین‌المللی، مقابله با تک‌قطبی و تقویت نقش کشورهای در حال توسعه در فرآیندهای جهانی توضیح داده می‌شود. در سال‌های اخیر روابط ایران و کشورهای بریکس تشدید قابل توجهی داشته است.

بسیاری دیگر مقالات داخلی و خارجی در مورد گروه بریکس، چین و عضویت ایران و آثار و پیامدهای آن، به نگارش درآمده است که ذکر و تشریح آنها خارج از ظرفیت این نوشتار است و به موارد نام برده بسنده می‌کنیم فقط این مورد خاطر نشان شود که ماهیت، مسأله و هدف این نوشتار با سایر مقالات نگارش یافته در این حوزه متفاوت است و در ادامه به بخش‌های دیگر و مهم‌تر پژوهش می‌پردازیم.



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۲، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

۲- چارچوب نظری پژوهش

با توجه به نقطه عطف بریکس در متن حاضر، شاید گمان شود نظریه‌های مربوط به توسعه گروه‌ها و سازمان‌ها همچون نهادگرایی لیبرال مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا باید بگیرد، اما با توجه به ماهیت و عملکرد گروه بریکس که بالا گفته می‌شود ابزار هژمونی چین در برابر آمریکا بوده و ثنیا عملکرد موازنه سازی این گروه در برابر محور غرب و ثالثاً وجود مسأله عضویت ایران در سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی همچون بریکس و سوءظن، بدبینی و تردیدی که جمهوری اسلامی ایران طی این سال‌ها نسبت به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی داشته و نگاه واقع‌گرایانه مسئولان کشور و سیستم سیاست خارجی به این سازمان‌ها و نهادهای، فلذا از نظریات واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی در تحلیل مبحث و مسأله حاضر بهره می‌گیریم. مسأله این است که جمهوری اسلامی ایران همواره نگاه بدبینانه به گروه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بویژه سازمان‌های غرب محور و آمریکا محور داشته است و این سازمان‌ها را ابزار هژمونی آمریکا می‌داند و در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا به عضویت سازمان‌های جنوب محور و نهادهایی که در رقابت با غرب هستند درآید و اینگونه اقدام به موازنه سازی کند.

در شرایطی که دولت‌ها به دنبال منافع ملی خود و کسب هرچه بیشتر قدرت می‌باشند و در حالت نظام سیاسی آنارشیک، واقع‌گرایان، جایگاهی را برای مطالعه سازمان‌های بین‌المللی در نظر نمی‌گیرند. از دیدگاه این گروه، سیاست بین‌الملل به منزله یک بازی مستمر و همیشگی است که هدف آن کسب هرچه بیشتر قدرت است و طبق استدلال واقع‌گرایان همکاری با سایر دولت‌ها یک متغیر مستقل محسوب نمی‌شود، بلکه متغیری وابسته به مؤلفه قدرت است. بنابراین همکاری غیر ممکن نیست، بلکه مشروط به آن است که در خدمت منافع ملی و قدرت باشد و دولت‌ها تنها زمانی دست به همکاری و ائتلاف و حتی تشکیل سازمان‌های بین‌المللی خواهند زد که این کار قدرت آنها را افزایش دهد (سازمند، ۱۳۸۷: ۱۲۱). در هر دو رویکرد کلاسیک و نئورئالیستی، دولت‌ها به‌عنوان نهادی در تلاش برای به حداکثر رساندن قدرت و ایجاد توازن قوا به تصویر کشیده می‌شوند (ozkan and cemcetin, 2016: 86).

واقع‌گرایان بر این باورند که دولت‌ها در نهایت گرفتار هرج و مرج، خودیاری، به حداکثر رساندن قدرت نسبی، امنیت ملی، آمادگی برای جنگ و محاسبات توازن نسبی قدرت، هستند. در واقع، مورگنتا معتقد بود که تمام سیاست‌ها مبارزه برای قدرت است که در آن کشورها در جایی که

قدرت یک ملت توسط ملت‌های دیگر محدود می‌شود، برای حفظ منافع ملی خود تلاش می‌کنند. حتی در شرایط هرج و مرج که در آن بازیگران عقلانی خودخواه (دولت‌ها) به دنبال منافع خود هستند، سایه اقدام تلافی جویانه آینده، بازیگران منطقی خودخواه (دولت‌ها) را به دنبال همکاری و حفظ نظم بین‌المللی سوق می‌دهد. برای رئالیست‌ها بازیگران غیردولتی، مانند سازمان‌های بین‌المللی، ممکن است خواهان جایگاهی در نظام بین‌المللی باشند، با این حال، آنها معتقدند که چنین بازیگرانی تأثیر قابل توجهی بر روی آنچه در امور جهانی می‌گذرد نخواهند داشت (ozkan and cemcetin, 2016: 91-93).

رئالیست‌ها و نئورئالیست‌ها بر اهمیت اشکال خارجی قدرت، پویایی رقابت سیاسی و نقش تحدید کننده نظام بین‌المللی تأکید دارند. از منظر نواقع گرائی سیاست منطقه گرائی و ظهور ترتیبات منطقه‌ای دارای وجوه مشترکی بسیاری با سیاست شکل‌گیری اتحادها است. بر این اساس منطقه گرائی را می‌باید از طریق نگاه به منطقه از خارج و نیز جایگاه منطقه در نظام بین‌الملل مورد توجه قرار داد. بدین ترتیب گروه بندی‌های منطقه‌ای در واکنش به چالش‌های خارجی به وجود می‌آید. در ارتباط با ترتیبات اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای که توسط دولت‌های ضعیف ایجاد می‌گردد، نواقع گرائی روند فعالیت‌های آنها را وابسته به سیاست‌های و ایستارهای قدرت‌های بزرگ می‌داند. در مقابل، به‌جز نادیده گرفتن پتانسیلی که نهادهای منطقه‌ای ممکن است در تأثیرگذاری بر رفتار دولت‌های مستقل داشته باشند، به‌طور کلی توجهی به فرایندهای منطقه‌ای از سوی پژوهشگران متقاعدکننده واقع‌گرایانه صورت نگرفته است. حتی در جایی که واقع‌گرایان به فرایندهای منطقه‌ای توجه کرده‌اند، عموماً هدف برجسته کردن انگیزه‌های ابزاری دولت‌محور دولت‌های قدرتمند در پیگیری منافع اساساً ملی و نه منطقه‌ای بوده است (Beeson and Brown, 2021: 5).

فرضیه مهم نئورئالیستی این است که دولت‌ها به دلیل ترس از نحوه توزیع سود، تمایل زیادی به همکاری ندارند. همانطور که والتز استدلال می‌کند، «دولت‌ها به میل خود را در موقعیت‌های افزایش وابستگی قرار نمی‌دهند. در یک سیستم خودیاری، ملاحظات امنیت، منفعت اقتصادی را تابع منافع سیاسی می‌کند». اما اگر بگوییم که نئورئالیست‌ها همکاری بین‌المللی را غیرممکن می‌دانند، غیر واقع‌بینانه است (G. Brooks, 1997: 467). مورگنتا سازمان‌های بین‌المللی را نهادهای بین دولتی تلقی می‌کند که تنها برای کسب قدرت یا حل مشکل صلح می‌توان از آنها بهره گرفت. والتز و گیلپین نیز دیدگاهی همانند مورگنتا به سازمان‌های بین‌المللی دارند. از نظر این گروه از پژوهشگران، سازمان‌های بین‌المللی به عنوان ابزار سیاست‌گذاری

دولت‌ها تلقی می‌شوند و متغیری مستقل از قدرت دولت‌ها نیستند، بلکه وابسته به آنها هستند. به عنوان نمونه، والتز تأکید می‌کند که دولت‌ها کنشگران اصلی نظام بین‌المللی محسوب می‌شوند، بنابراین؛ طبق نظر متفکرین نئورئالیسم از جمله والتز، دولت‌ها در درون نظام بین‌الملل می‌توانند قواعدی را که بر خلاف میل آنها باشد نقض کنند و قواعد جدیدی را ایجاد کنند که منافع آنها را برآورده سازد. والتز همانند گیلپین، بر این اعتقاد است که سیاست بین‌الملل، عرصه توزیع نابرابر قدرت است و در واقع تحلیل سیستمیک ارائه می‌کند. از نظر آنها، سازمان‌های مهم بین‌المللی، همچون سازمان ملل متحد هم در واقع در خدمت قدرت‌های اصلی و هژمون هستند (سازمند، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

این استدلال که دولت بازیگر اصلی در روابط بین‌الملل است وجود سایر بازیگران فردی و جمعی را انکار نمی‌کند. همانطور که ارنست هاس قاطعانه بیان می‌کند، بازیگران در روابط بین‌الملل آن دسته از نهادهایی هستند که قادر به طرح مطالبات مؤثر هستند. نمی‌توان به طور پیشینی پاسخ داد که این موجودات چه چیزی یا چه کسانی هستند. با این حال، دولت بازیگر اصلی است، زیرا ماهیت دولت و الگوی روابط بین دولت‌ها مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ماهیت روابط بین‌الملل در هر لحظه است. اگرچه ظهور مشکلات جهانی اکولوژیکی و مرتبط با آن سازماندهی قابل مقایسه در امور انسانی را ایجاد می‌کند، اما تسلط مفهوم دولت-ملت در ذهن انسان‌ها بیش از پیش محکم‌تر می‌شود. تأثیرات مبهم این تحولات معاصر را می‌توان در سه جنبه به ظاهر متناقض سیاست بین‌الملل کنونی ذکر کرد: (۱) ظهور ابر قدرت. (۲) حرکت به سوی یکپارچگی منطقه‌ای؛ (۳) تکثیر دولت-ملت‌های جدید و جنبش‌های جدایی در دولت-ملت‌های قدیمی‌تر. این تحولات متناقض نشان می‌دهد که اندازه و توزیع نهادهای سیاسی در عصر ما هنوز مشخص نشده است (Gilpin, 1984: 299-301). واقع‌گرایان می‌دانند که دولت‌ها به دنبال منافع مطلق هستند و نگران تبعیت هستند. واقع‌گرایان استدلال می‌کنند که علاوه بر نگرانی‌ها در مورد تقلب، دولت‌ها در ترتیبات همکاری نیز نگران هستند که شرکایشان ممکن است از همکاری که انجام می‌دهند سود بیشتری ببرند. برای واقع‌گرایان، یک دولت هم بر منافع مطلق و هم نسبی خود از همکاری تمرکز می‌کند. پس واقع‌گرایی متوجه می‌شود که حداقل دو مانع عمده برای همکاری بین‌المللی وجود دارد: نگرانی دولت در مورد تقلب و دوم نگرانی دولت در مورد دستاوردهای نسبی (M. Grieco, 1988: 2).

بر اساس نظر واقع‌گرایان، دولت‌ها اغلب حتی در مواجهه با منافع مشترک از همکاری با یکدیگر، شکست می‌خورند. سرانجام نهادهای

بین‌المللی فقط بر چشم انداز همکاری به طور حاشیه تأثیر می‌گذارند (M. Grieco, 1988: 3). واقع‌گرایان اولین کسانی هستند که به این نکته اشاره می‌کنند که سازمان‌های بین‌المللی رسمی در نهایت یا تحت تسلط قدرتمندترین دولت‌ها هستند یا به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به امور بین‌الملل ربطی نداشته باشند. اما واقع‌گرایان از نوع دیگری از موازنه سازی با نام موازنه سازی نرم نام می‌برند که عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از نظر آنها می‌تواند به این جهت باشد.

نسل جدیدی از واقع‌گرایان اکنون در حال بررسی میزان تلاش دولت‌ها برای استفاده از سازمان‌های بین‌المللی برای دستیابی به اهداف امنیتی خود هستند. البته هدف از اتحادهای نظامی همیشه همین بوده است. آنها را واقع‌گرایان نرم بنامیم. این محققین تجزیه و تحلیل می‌کنند که چگونه دولت‌ها از سازمان‌های بین‌المللی برای مشارکت در رفتار «تعادل نهاده شده» استفاده می‌کنند، که منظور از آن استفاده از فشارها و تهدیدها در نهادهای چندجانبه به منظور تأمین منافع امنیتی آنهاست. این رئالیسم جدید قدرت و علاقه را در طیف وسیعی از نهادهای چندجانبه ظاهراً «همکار» در کار می‌بیند (martin and simmons, 2012: 330). بهترین مبنای نظری برای مفهوم موازنه نرم توسط رابرت پاپ ارائه شده است. بنابر دیدگاه پاپ، هدف از ایجاد موازنه نرم را می‌توان خنثی کردن عملکرد دولت در حال رهبری بدون مقابله مستقیم دانست. موازنه از نظر والت به معنای هماهنگی هوشمندانه فعالیت‌های دیپلماتیک هر بازیگر برای محدود سازی و شکل دادن به نتایجی مخالف ترجیحات رقیب است. واقع‌گرایان متوجه این نکته هستند که توازن تنها راه مقابله با نظام تک قطبی است اما نه به شکل سنتی آن که شدید است و استدلال می‌کنند که دولت‌ها ممکن است موازنه نرم را از بین موازنه ارتجاعی و موازنه شدید انتخاب کنند، در واقع موازنه نرم ترکیبی از عناصر نظریه موازنه قدرت ساختاری والتز و نظریه موازنه تهدید والت را در بر دارد (مرزبانی و پلونده، ۱۳۹۹: ۹).

با توجه به آنچه گفته شد، بر اساس دیدگاه‌های رئالیستی، نظام بین‌الملل یک نظام آنارشیک و خودیار است که به دلیل احتمال تقلب و محاسبه دستاوردهای نسبی، همکاری و تشکیل سازمان‌های کارآمد منطقه‌ای و بین‌المللی جایگاه چندانی ندارد، مگر اینکه در خدمت اهداف اعضا (به ویژه دولت‌های قدرتمند) باشد. با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران، نگاهی رئالیستی و واقع‌گرایانه به سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه سازمان‌های بین‌المللی با محوریت غرب دارد، سیاست و روابط خارجی آن بر اساس این اصل تنظیم و هدایت می‌شود که سازمان‌های بین‌المللی تأمین کننده منافع دولت‌های بزرگ و کشورهای غربی و هژمونی آمریکا

است. در نهایت، هیچگاه ماهیت و کارکرد بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی را به رسمیت نشناخته و به مقابله با آنها برخاسته و تنها گاهی از این سازمان‌ها به عنوان تریبونی برای بیان دکترین خود بهره گرفته است. در سال‌های اخیر با به چالش کشیده شدن قدرت غرب و هژمونی آمریکا و ظهور قدرت‌های همچون چین، در مقابل قدرت‌های غربی و سازمان‌های بین‌المللی غرب محور، بر اساس روابط جنوب-جنوب و با محوریت قدرت‌های نوظهور، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بسیاری مانند پیمان شانگهای و گروه بریکس شکل گرفته است، که جمهوری اسلامی ایران بر اساس دیدگاه رئالیستی خود و به منظور کسب قدرت (منافع نظامی و سیاسی دولت) در عرصه بین‌المللی، ایجاد محور جنوب در مقابل شمال (موازنه قوا) و بهره‌گیری از مزایای اقتصادی (مرکانتیلیستی)، علاقمند به عضویت و شرکت در این سازمان‌ها است، چرا که، بر اساس دیدگاه رئالیستی، همکاری غیر ممکن نیست، بلکه زمانی که در اختیار منافع ملی و قدرت باشد می‌توان از آن بهره گرفت و این مهم به‌ویژه در دولت سید ابراهیم رئیسی که سیاست خارجی آن بر محور نگاه به جنوب و جنوب‌گرایی است با جدیت پیگیری می‌شود، هرچند گاهی در محافل علمی گفته می‌شود که سازمان‌هایی مانند شانگهای و بریکس تحت هژمونی چین می‌باشند اما جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در کنار چین از مزایای این سازمان‌ها در جهت تأمین منافع خود بهره برده و از این نماد برای خود کلاهی بیافد.

۳- گروه بریکس: ماهیت و اهداف

بریکس (BRICS) نام گروهی به رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهور است که از به هم پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو یعنی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تشکیل شده است. در ابتدا نام این گروه بریک نام داشت اما پس از پیوستن آفریقای جنوبی، به بریکس تغییر نام یافت. شکل‌گیری گروه بریک (بدون احتساب آفریقای جنوبی)، به عنوان مفهومی مرتبط با بازارهای مالی، توسط مؤسسه سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس، بر وزن روبه رشد اقتصادهای نوظهور تأکید می‌کرد. بر اساس دیدگاه‌های مرتبط با بازار، بریک به دلیل ناهمگونی زیاد اعضایش، صرفاً یک گروه اقتصادی و نه سیاسی بود. اما اعضا همواره تلاش می‌کردند روابط خود را در سطح سیاسی و دیپلماتیک گسترش دهند. حداقل در مورد برزیل، این کشور از سال ۲۰۰۲ به بعد همواره تلاش کرد که با ایجاد استراتژی‌های توسعه‌ای و تجارت که چندان متکی به محور آمریکا و اتحادیه اروپا نبود، روابط خود را با چندین کشور در آفریقا و با چین و روسیه افزایش دهد. پیوستن آفریقای جنوبی به این مجمع در سال ۲۰۱۱، نقطه عطفی برای چشم انداز جانبدارانه اقتصادی بازار مالی بود، زیرا از نقطه نظر کاملاً اقتصادی

آفریقای جنوبی در سطح سایر کشورهای بریک نبود. پیوستن آفریقای جنوبی نشانگر یک موضع سیاسی روشن به منظور ایجاد یک محور قدرت جنوب-جنوب جدید بود. در حالی که هماهنگی سیاسی بین کشورهای عضو تا حدودی به سرعت افزایش یافت، جریان‌های تجاری درون بریکس هنوز نسبتاً پایین است، البته تجارت جداگانه هر یک از اعضا با چین به صورت روشنی در رواج است (Felício, 2014: 8).

بریکس هنگام شروع سهم کمی بیش از ۱۰ درصد در تولید ناخالص داخلی جهانی (GDP) و کمتر از ۴ درصد در تجارت جهانی در سال ۱۹۹۰ را دارا بود، اما بعد از دو دهه حدود ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان و ۱۵ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داد. افزایش تولید ناخالص داخلی بیانگر آن است که اندازه اقتصادی بریکس برحسب سهم آن در تولید ناخالص داخلی جهان طی دو دهه ۱۵۰ درصد افزایش یافته است. علاوه بر این، همه کشورهای بریکس در حال حاضر عضو فعال نهادهای مهم بین‌المللی و چندجانبه مانند سازمان تجارت جهانی، سازمان ملل متحد و گروه ۲۰ (G-20) هستند. بریکس شاخص‌های مختلف دیگری مانند روند ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، باز بودن تجارت، تراز حساب جاری، ذخایر ارزی و نیروی کار فعال اقتصادی دارد که می‌تواند آن را به یک نیروی قدرتمند برای محاسبه در آینده تبدیل کند. یکی از نمونه‌های اهمیت این گروه برای اقتصاد جهانی با تعهد جمعی کشورهای بریکس برای کمک ۷۵ میلیارد دلاری در اجلاس سران G-20 در سال ۲۰۱۲ در لوس کابوس، مکزیک، برای جلوگیری از سرایت بحران منطقه یورو به بازار جهان بازتاب یافت (Singh, 2014: 3). به‌ویژه از سال ۲۰۰۸ یعنی سالی که بحران مالی بین‌المللی آغاز شد، پیش‌بینی شد که چین و هند در آینده بزرگترین تأمین‌کننده کالا و خدمات تولیدی خواهند بود، در حالی که در کنار آن برزیل و روسیه نیز کشورهای کلیدی در عرضه مواد خام خواهند شد. بحران مالی، درک ناتوانی آمریکا در اعمال کنترل بر حاکمیت جهانی و همچنین ناتوانی اتحادیه اروپا در جایگزینی یا تکمیل ایالات متحده را در وظیفه رهبری جامعه بین‌المللی، حداقل از نقطه نظر اقتصادی، تشدید کرد (Doval, 2015: 4-5).

در ماه اوت ۲۰۲۳ آفریقای جنوبی میزبان نشست سه روزه گروه بریکس بود و قدرت آفریقایی خود را بدون ایجاد نگرانی برای شرکای غربی، افزایش داد. بزرگترین سیاست این نشست این بود که اعلام شد که از ۱ ژانویه ۲۰۲۴، شش کشور آرژانتین، اتیوپی، امارات متحده عربی، ایران، عربستان سعودی و مصر می‌توانند به جمع این گروه اضافه شوند. گسترش بلوک از پنج عضو به یازده عضو، گروهی با اندازه اقتصادی چشمگیر ایجاد خواهد کرد. یک بریکس یازده عضوی، سهم این بلوک از جمعیت جهان را از ۴۱

درصد به ۴۶ درصد در سال ۲۰۲۴، سهم آن از تولید ناخالص داخلی جهانی که بر حسب دلار آمریکا از ۳۳ درصد به ۳۸ درصد و سهم آن از صادرات کالاهای جهانی از ۲۰ درصد به ۲۳ درصد خواهد رساند. در مقابل، G7 - متشکل از ایالات متحده، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و بریتانیا - هنوز تنها ۱۰ درصد از جمعیت جهان، ۲۹ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی با دلار آمریکا و ۲۹ درصد را از صادرات کالاهای جهانی به خود اختصاص می‌دهند (The Economist Intelligence Unit Limited 2023).

گروه بریکس به عنوان یک قطب قدرت در حال ظهور شناخته می‌شوند که از طریق ابزار اقتصادی سعی در پیشینه سازی قدرت خود در مناسبات جهانی دارند. در واقع، گروه بریکس را می‌توان یک باشگاه اقتصادی با گرایش‌های سیاسی، نظامی و امنیتی دانست که با پیشرفت در رشد و توسعه اقتصادی، موجب ایجاد یکی از قطب‌های اصلی ساختار چند قطبی نظام بین‌الملل شده‌اند. کشورهای بریکس به این نتیجه رسیده‌اند که رشد جایگاه آنها در سطح نظام بین‌الملل مستلزم تقویت توان اقتصادی و رشد اقتصادی این کشورها است. بریکس برای مقابله با گروه جی هشت و گروه جی بیست تشکیل شده است تا اعضای این گروه بتوانند از یکه‌تازی غرب و آمریکا در فضای اقتصادی جهان جلوگیری کنند و از این طریق در مناسبات مالی بین‌الملل، حرف‌های بیشتر و جدی‌تری برای گفتن داشته باشند. در شرایطی که چین، روسیه، هند، برزیل و آفریقای جنوبی ساختاری ناهمگون دارند و بایدها و نبایدهای اقتصادی و حتی نظام سیاسی‌شان شباهتی به هم ندارد، گرد هم آمده‌اند تا بلکه بتوانند نظام جهانی اقتصاد را از سلطه قدرت‌های برتر غرب خارج کنند (منصوری، ترابی و حیدرپور، ۱۴۰۱: ۱۱۷-۱۰۸). در راهبرد همکاری اقتصادی ۲۰۲۵ این گروه که در اجلاس ۲۰۲۰ مسکو به تصویب اعضا رسیده است، سه بسته به شرح زیر معرفی شده‌اند:

الف) بسته «تجارت، سرمایه‌گذاری، فاینانس» مرتبط با موضوع شرکت‌های کوچک و متوسط

ب) بسته «اقتصاد دیجیتال» مرتبط با موضوعاتی نظیر تحول دیجیتال، صنعت و نوآوری

ج) بسته «توسعه پایدار» در موضوعاتی نظیر امنیت غذایی و توسعه منابع انسانی

در سال ۲۰۲۱ نیز نقشه اجرای این سه بسته در دهلی‌نو به تصویب اعضا رسیده است. از اهداف اصلی این پیمان، «به رسمیت شناختن سیستم‌های چندجانبه تجاری و مالی در اقتصاد جهانی» و «رشد متوازن و توسعه همه

جانبه و فراگیر» ذکر شده است. سیاست‌های کلان این گروه شامل؛ ۱- تجارت ۲- سرمایه‌گذاری ۳- شرکت‌های خرد، کوچک و متوسط ۴- تأمین مالی ۵- تغییرات اقلیمی ۶- انرژی ۷- توسعه زیرساخت ۸- امنیت غذایی ۹- توسعه انسانی، می‌شود (ترابی فرد، ۱۴۰۱: ۵-۲).

در بیانیه هشتمین اجلاس بریکس به میزبانی هند در اکتبر ۲۰۱۶ آمده است که: «ما به ماهیت جهانی چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی کنونی که جامعه بین‌المللی با آن مواجه است توجه داریم. ما این دیدگاه خود را تکرار می‌کنیم که تلاش‌های بین‌المللی برای رفع این چالش‌ها، ایجاد صلح پایدار و همچنین انتقال به یک نظم بین‌المللی چند قطبی عادلانه‌تر و دموکراتیک‌تر، نیاز به یک رویکرد جامع، هماهنگ و مصمم دارد» (BRICS information centre, 2017). در بیانیه یازدهمین اجلاس گروه بریکس در برزیل سال ۲۰۱۹، آمده است که: «ما تعهد خود را به توسعه پایدار در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به صورت متوازن و یکپارچه اعلام می‌کنیم. همه شهروندان ما، در تمام بخش‌های سرزمین‌های مربوطه، از جمله مناطق دورافتاده، شایسته بهره‌مندی کامل از مزایای توسعه پایدار هستند. ما بر اهمیت اجرای دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار تأکید می‌کنیم و خواستار تلاش مضاعف برای اجرای به موقع آن هستیم» (Official website of Russia's, 2020).

کشورهای عضو بریکس با برخورداری از رشد سریع اقتصادی و کسب جایگاه ویژه در اقتصاد بین‌الملل درصدد هستند تا به شکل تدریجی بر روند تصمیم‌گیری‌های ویژه نظام بین‌الملل اثرگذار باشند و با اصلاح نهادهای مالی و سیاسی بین‌المللی، نظام جدیدی از حاکمیت بین‌المللی را طراحی کنند. کشورهای بریکس خواهان واگذاری بخشی از قدرت آمریکا و اروپا به آنها برای همکاری بیشتر آنان در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هستند؛ بنابراین هدف اصلی بریکس تأسیس و ایجاد نظم جهانی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر، به‌ویژه از طریق اصلاح نهادهای مالی بین‌المللی کنونی می‌باشد (مرزبانی و پلونده، ۱۳۹۹: ۱۲). با توجه به داده‌ها و شواهد موجود می‌توان گفت که گروه بریکس از ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی بسیاری در عرصه بین‌الملل برخوردار است و جمهوری اسلامی ایران با عضویت رسمی در این گروه در ژانویه ۲۰۲۴ و بعد از رفع موانع و چالش‌های موجود، می‌تواند از مزایای عضویت در این گروه بهره‌مند گردد، در راه ایجاد جهانی عادلانه‌تر و مقابله با نظام تک قطبی و هژمونی آمریکا تلاش کرده و ایجاد موازنه سازی کند و در نهایت از توان این گروه جهت توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و تجاری، امنیت انسانی و غذایی و... خود استفاده نماید. همانگونه که واقع‌گرایان بیان می‌کنند که کشورها از سازمان‌های

بین‌المللی جهت کسب منافع و افزایش قدرت خود استفاده می‌کنند و سازمان‌ها ابزار دولت‌ها جهت برقراری موازنه قدرت می‌باشند، گروه بریکس نیز می‌تواند یک ظرفیت و یک ابزار قوی برای اعضای خود باشد.

۴- بریکس: ابزار موازنه‌گری

بریکس قبل از آنکه یک مجمع و گروه برای تسهیل و ارتقای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی کشورهای عضو در محور جنوب-جنوب باشد، می‌تواند یک ابزار اقتصاد سیاسی بین‌المللی برای موازنه‌گری در برابر شمال و به چالش کشیدن محور غرب و هژمونی آمریکا باشد، و حتی شاید بتوان گفت بیشترین نیت و هدف چین و در کنار آن روسیه برای تشکیل این گروه همین مسأله رقابت با قدرت هژمونی آمریکا و سازمان‌های آمریکا محور باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند با عضویت در این گروه، از این فرصت جهت پیگیری اهداف خود، رقابت با آمریکا، به چالش کشیدن نظام بین‌الملل غرب محور و اقتصاد لیبرال و نظم جهانی موجود، استفاده کند و در کنار آن از منابع و ظرفیت‌های جنوب جهت توسعه خود بهره ببرد.

تلاش برای بیان سیاسی و نمایش برتر در حکومت جهانی، ممکن است مهم‌ترین جنبه‌ای باشد که ارتباط گروه بریکس را برجسته می‌کند. در اولین جلسه آنها بیانیه مشترکی به تصویب رسید که در آن، آنها خواستار یک نظم جهانی دموکراتیک‌تر و چند قطبی مبتنی بر همکاری، اقدام هماهنگ و تصمیم‌گیری جمعی همه کشورها شدند. با توجه به بعد سیاسی، برخی از تحلیل‌گران ظهور بریکس را به شیوه‌ای نئورئالیستی تفسیر می‌کنند، با این فرض که بریکس می‌خواهد هژمونی آمریکا (و غرب) را به چالش بکشد و آن را متعادل کند (Morazan and other, 2012: 8). یکی از مهم‌ترین اقدامات بریکس جهت مقابله با غرب و آمریکا، به چالش کشیدن هژمونی دلار است. در طول چند سال گذشته سیاست‌گذاران بریکس به‌ویژه چین، تلاش‌های قابل توجه‌ای جهت افزایش معنادار استفاده از ارزهای غیر دلاری انجام داده‌اند. برخی از تلاش‌ها برای گسترش استفاده از ارزهای محلی در تجارت و امور مالی، به‌ویژه شامل روسیه و ایران، به وضوح با هدف ایجاد کانال‌های مالی کمتر آسیب‌پذیر در برابر تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده و اروپا صورت می‌گیرد (Greene, 2023: 2).

بریکس در بیشتر دوران موجودیت خود ابزار مفیدی برای روسیه جهت پیشبرد اهداف آن بوده است. هدف اولیه روسیه استفاده از این گروه به عنوان ابزاری برای تقویت موقعیت چانه‌زنی روسیه در برابر غرب بود. با این حال، در پی بحران جاری در اوکراین، بریکس برای روسیه نمادی از یک جایگزین مناسب برای سازش با مقتضیات سیستم بین‌المللی بوده است.

در واقع، مسکو از بریکس نه تنها به عنوان یک اهرم فشار در برابر غرب در نظام بین‌المللی کنونی، بلکه به عنوان پایه و مدلی برای یک سیستم جدید در کل، بهره می‌گیرد (Salzman, 2015: 2). صف‌آرایی بریکس به دنبال نقش بیشتری در اقتصاد جهانی است اما تحقق این چشم‌انداز فوری نیست. با این حال، گروه بریکس بخشی از یک صف‌بندی ضد هژمونیک است که چین و روسیه در قلب این جنبش قرار دارند. جان میرشایمر این مبارزه را در چارچوبی واقع‌گرایانه قرار می‌دهد و اجتناب ناپذیر بودن جنگ بین ایالات متحده و چین را پیش‌بینی می‌کند. روسیه و چین هسته اصلی یک همسویی ضد هژمونیک نوپا اما به سرعت در حال توسعه را تشکیل می‌دهند. این فعلاً یک اتحاد نیست و تنش‌های عمیقی بین دو کشور وجود دارد. با این حال، امروزه در امور بین‌الملل، آنها در رد هژمونیک‌شان به شانه هم ایستاده‌اند. بریکس به عنوان یک سازمان همکاری ضد هژمونیک، در قلب سیاست‌های جایگزینی نظام تک قطبی با نظام چندقطبی قرار دارد (Sakwa, 2019: 2-8).

ویژگی مشترک اصلی کشورهای عضو بریکس، موقعیت آنها به عنوان موتورهای اقتصادی نوظهور و این ایده است که آنها قدرت‌های نوظهور مهمی هستند که باید نقش بیشتر و برجسته‌تری در امور جهانی ایفا کنند. آنها جهان‌بینی و عقیده مشابهی دارند که صدای آنها و منافع آنها و کشورهای در حال توسعه در نظم بین‌المللی کمتر دیده می‌شود. آنها قدرت‌های مستقر را رو به زوال می‌بینند و با اقتصاد جهانی غرب محور و طرفدار منافع غرب مخالف‌اند، در برابر نهادهای بین‌المللی غرب محور که به هنجارها و قواعد بین‌المللی رسمیت می‌دهند مقاومت می‌کنند و مایل‌اند به جای آنها قواعدگذار جهانی باشند. بنابراین، زمینه‌های اصلی همکاری بریکس، آرمان مشترک آنها برای نمایندگی بیشتر در نهادهای بین‌المللی و حمایت مشترک آنها از مفاهیم سنتی حاکمیت دولت و عدم مداخله است (Mottet, 2013: 4).

بریکس به دنبال مقابله کردن با وزن هژمونیک ایالات متحده آمریکا در نظام بین‌الملل است. اگرچه گفته می‌شود که بریکس قصد ندارد نظم بین‌المللی کنونی را واژگون کند، اما این گروه به چین در موقعیت ضد هژمونیک خود در برابر آمریکا کمک می‌کند، اما هیچ رویارویی مستقیمی در کار نیست. همانگونه که در قبل گفته شد، یکی از وجوه موازنه‌گری از نظر رئالیست‌ها به صورت موازنه‌گری نرم است. موازنه نرم به طور مستقیم برتری نظامی ایالات متحده را به چالش نمی‌کشد، بلکه از ابزارهای غیرنظامی برای عقب انداختن، ناکام گذاشتن و تضعیف سیاست‌های یکجانبه این ابرقدرت استفاده می‌کند. توازن نرم مستلزم ایجاد راهبردهای نهادی همچون

تشکیل گروه بریکس است. این اقدام قدرت هژمون مستقر را محدود می‌کند و باعث تقویت همکاری بین قدرت‌های نوظهور در بخش‌های مختلف می‌شود و در نهایت می‌تواند در میان مدت توازن اقتصادی را تغییر دهد (da Silva and Gomes, 2019: 35-36). با این حال، هنوز هیچ‌گونه همکاری که به اندازه کافی قوی باشد در میان اعضای بریکس شکل نگرفته است و در نتیجه فعلاً نمی‌توان بریکس را تهدید نامید و نگاه غرب این است که بریکس یک همکاری و شراکت است تا یک اتحاد نظامی خطرناک و نهایتاً اینکه کشورهای بریکس فاقد قدرت نرم لازم و کافی برای به چالش کشیدن هژمونی ایالات متحده هستند و در مقابل قدرت نرم بریکس، آمریکا نیز از قدرت نرم و غیر توسعه طلبانه خود برای دفاع از هژمونی (واقع‌گرایی تدافعی نئورئالیست‌ها)، بهره می‌گیرد (Adnan, 2014: 34).

بریکس به عنوان موتور ظهور دیگران در مقابل غرب، با هدف حضور در اقتصاد جهانی و داشتن روابط بهتر با کشورهای توسعه یافته شکل گرفته است. از این رو، موفقیت آن تنها به روابط اقتصادی آن با سایر نقاط جهان بستگی ندارد، بلکه به شدت منوط به میزان نفوذی است که می‌تواند در عرصه بین‌المللی به دست آورد. این همان جایی است که چین به عنوان یک بازیگر اصلی در بریکس نقش ایفا می‌کند، زمانی که می‌تواند از مزایای استراتژیک مناطق دیگر، علاوه بر مناطق اقتصادی بهره‌برداری کند. این ایده ساختن جهانی است که در آن هژمونی و امپریالیسم با همکاری و رشد سازمان یافته جایگزین شود. این در واقع جوهر واقعی «نظم نوین جهانی» و پیامدهای آن است (Sultan, 2016: 96). اقتصاد سیاسی داخلی و منافع بین‌المللی چین و سایر کشورهای بریکس اقتضا می‌کند که برای تغییر شکل حاکمیت اقتصادی جهانی مواضع خود را بیشتر هماهنگ کرده و همکاری بیشتری داشته باشد و چین باید مسئولیت‌ها و اقدامات خود همچون ابتکار کمربند-راه و بانک‌های سرمایه‌گذاری و توسعه را دنبال کند.

کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور در تلاش برای ایفای نقش مهم‌تری در حکمرانی جهانی هستند. محیط بین‌المللی کنونی عرصه افزایش رقابت و رویارویی قدرت‌های بزرگ و کشورهای در حال توسعه و نوظهور، همچون اعضای گروه بریکس، شده است که در حال تغییر در قدرت جهانی به سمت جنوب، قابل مشاهده است. با این وجود، شکاف بزرگی بین نقش واقعی کشورهای در حال توسعه در سیستم جهانی و توانایی آنها برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری جهانی وجود دارد، اقتصاد آنها رشد کرده اما با این حال صدای سیاسی آنها محدود است. به دلایلی از جمله کند شدن رشد اقتصادی، ناتوانی در عمل به وعده‌های اجلاس‌های قبلی، فقدان منافع مشترک و استراتژی‌های چند جانبه جمعی، تفاوت اساسی

در سرعت و اولویت‌های توسعه و اختلاف کشورهای عضو در پیشرفت اقتصادی (شتاب در رشد تولید در چند کشور در حال توسعه آسیای شرقی، به ویژه چین متمرکز شده است) و دلایل دیگر، باعث شده است تا کارشناسان آینده بریکس را به چالش بکشند. علیرغم بحث در مورد توانایی بریکس در شکل دادن به دستور کار جهانی، این مجمع همچنان جامع‌ترین گروه چندجانبه برای ارتقای منافع کشورهای در حال توسعه در سطح جهانی از طریق افزایش همکاری جنوب-جنوب است (Duggan and other, 2022: 469-473).

گروه بریکس هم‌مانند هر مجمع و مشارکت و همکاری دیگری ممکن است با چالش‌ها و نقصان‌هایی روبه‌رو شود و در مسیر خود با مشکل مواجه گردد، اما آنچه حائز اهمیت و توجه است این است که اعضای این گروه از قدرت اثر گذاری بسیاری در نظام اقتصاد سیاسی بین‌المللی در قالب گروه بریکس برخوردار هستند و می‌توانند در حاکمیت جهانی فعلی و هژمونی آمریکا بر نظم جهانی، تغییر ایجاد کنند و در مقابل شمال موازنه قدرت (بر اساس دیدگاه‌های رئالیستی) ایجاد کنند و این مهم زمانی بیشتر اهمیت پیدا کرده و نمایان‌تر خواهد شد که اعضای بیشتری از جنوب، از جمله ایران، به این گروه اضافه شوند.

۵- سیاست خارجی ایران و گروه بریکس

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شامل سه بخش اسلامی، ایرانی و انقلابی است که بعد پیروزی انقلاب اسلامی وظیفه خود را در صدور انقلاب به سایر کشورها و ملل، حفظ ارزش‌های اسلامی و دفاع از مسلمانان و مستضعفان جهان و مقابله و مبارزه با قدرت‌های مستکبر و امپریالیسم جهانی و تغییر در حاکمیت و ساختار وضع موجود نظام بین‌المللی می‌داند. ایران وضع موجود نظام بین‌المللی و حاکمیت شمال، سرمایه داری لیبرال غرب و هژمونی آمریکا را به رسمیت نمی‌شناسد و درصدد تغییر در حاکمیت و ساختار نظام بین‌المللی کنونی و فروپاشی نظام تک قطبی موجود است. جمهوری اسلامی در طول تمام دوران بعد از پیروزی انقلاب همواره سعی کرده به هیچ کدام از بلوک شرق و غرب وابسته نباشد و اصل نه شرقی و نه غربی از اصول اولیه و اساسی انقلاب اسلامی بوده و هنوز بر دوام است. اما آنچه مسلم است، ایران نظم کنونی بین‌المللی به رهبری آمریکا و نظام تک قطبی موجود را به رسمیت نمی‌شناسد و خواستار تغییر در وضع موجود نظام بین‌المللی است. یکی از راه‌های مقابله با نظم تک قطبی به رهبری شمال، ارتباط با کشورهای جنوب و تقویت روابط بر محور جنوب-جنوب است، تا در مقابل تک قطبی محور شمال موازنه قدرت ایجاد شود. بنابراین، در دوران انقلاب اسلامی یکی از اصول اساسی سیاست خارجی همواره روابط با



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۳، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

کشورهای جنوب از شرق آسیا تا آفریقا و آمریکای جنوبی بوده است. البته این بدین معنا نیست که ایران روابط خود را با کشورهای شمال صنعتی و سرمایه‌داری قطع کرده است و یک سیاست خارجی تک بعدی ایجاد کرده است، بلکه ضمن حفظ روابط در قالب مشخص و نظام‌مند با محور شمال و اتخاذ دیپلماسی چند وجهی، سعی شده است که بیشتر روابط با جنوب و کشورهای در حال توسعه در اولویت باشد.

البته کفه ترازو همیشه به سمت روابط با جنوب سنگین نبوده و در برخی دوران‌ها با فراز و نشیب‌هایی در سیاست خارجی و تغییر دولت در کشور (ضمن حفظ اصول ثابت سیاست خارجی)، شاهد افزایش میزان روابط با شمال و کشورهای غربی در مقابل جنوب بوده‌ایم. در سال‌های اخیر با روی کار آمدن دولت سید ابراهیم رئیسی در کشور توجه به محور جنوب و کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر شده و می‌توان گفت که اصل اساسی سیاست خارجی دولت ابراهیم رئیسی بر محور روابط جنوب-جنوب استوار است. در چنین شرایطی مسلماً ارتباط با کشورهای محور جنوب در آسیا و آفریقا و سایر نقاط جهان بیشتر شده و در کنار آن تقابل و رقابت با کشورهای شمال و رویارویی با نظام تک قطبی با محوریت غرب و نظم غربی و آمریکایی حاکم بر جهان بیشتر می‌شود. در دوران انقلاب اسلامی و بخصوص در سال‌های اخیر و با روی کار آمدن ابراهیم رئیسی به منظور تحقق سیاست خارجی جنوب گرایانه، عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جنوب محور همچون بریکس، با جدیت بیشتری پیگیری می‌شود. جمهوری اسلامی، خواستار از بین رفتن نظم تک قطبی شمال محور به رهبری آمریکا و جایگزینی یک نظم چند قطبی و اهمیت یافتن کشورهای جنوب است و یکی از راه‌های نیل به این هدف، عضویت در گروه بریکس به عنوان یک قطب بزرگ جنوب در مقابل شمال و آمریکا است.

ابهام در مورد آینده برجام، تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده، بی‌عملی اروپایی‌ها برای جبران خروج ترامپ از برجام و تحریم‌ها و عدم استقلال اتحادیه اروپا از آمریکا، شرایط عینی برای ظهور گفتمان دولت ابراهیم رئیسی را به وجود آورد. صرف نظر از تجربه زیسته ناشی از تعامل با غرب در دوران به اصطلاح میانه‌روی (دوره حسن روحانی)، در موضوع برجام و تحریم‌ها، توازن و تعادل یکی از مهم‌ترین مختصات سیاست خارجی موفق در نظام بین‌المللی کنونی بعد از جنگ سرد است که به سمت سیستم چندقطبی حرکت می‌کند. راهبرد متوازن سازی و تعامل هوشمند با همه کشورهای جهان و تنوع بخشی به دامنه ارتباطات خارجی، می‌تواند به مثابه یک واکنش طبیعی در تطبیق با تجارب دیپلماتیک ایران و متناسب با الزامات جهان چند قطبی قلمداد شود. از این رو سید ابراهیم رئیسی در مراسم

تحلیف ریاست جمهوری در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به دگرگونی جهان کنونی تأکید کرد که تأمین منافع ملت‌ها منوط به درک جهان جدید و تعامل راهبردی با قدرت‌های نوظهور و سیاست خارجی موفق و متوازن وابسته است (سلیمانی، ۱۴۰۱، ۱۸-۱۷).

سیاست خارجی ایران تحت هدایت ابراهیم رئیسی، از نظر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک، حرکت در جهت آسیا و چرخش ایران به سمت آسیا است. از نظر ژئوپلیتیکی، جنبه انقلابی این محور به معنای حمایت از محور مقاومت در برابر آمریکا و اسرائیل و بیرون راندن نیروهای آمریکایی از منطقه است. عمل‌گرایی آن شامل ترویج راه‌حل‌های منطقه‌ای برای مشکلات منطقه‌ای، تنش‌زدایی با رقبای سنتی (مانند امارات، سعودی‌ها، طالبان) و نزدیکی استراتژیک بیشتر به بازیگران آسیایی مانند چین است. از نظر ژئواکونومیک، بعد انقلابی این محور، اقتصاد مقاومتی است، سیاستی واکنشی برای دور زدن تحریم‌های آمریکا. بعد چندجانبه عملگرایانه، استراتژی اتصال ایران است، به معنای فرآیندی فعال برای تبدیل ایران به چهارراهی بین ابتکارات مختلف ژئواکونومیک آسیایی، مانند طرح کمربند و جاده چین و کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب (Forough, 2021: 1-2).

امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه درباره جهت‌گیری سیاست خارجی دولت رئیسی گفته است که «سیاست خارجی متوازن» را دنبال خواهد کرد که بر مبنای روابط حسنه با همسایگان و کشورهای آسیایی است، «زیرا قرن بیست و یکم متعلق به آسیاست و ما شاهد قدرت‌های اقتصادی نوظهور جدید در آسیا هستیم». در طول دهه گذشته، ایران روابط خود با قدرت‌های در حال رشدی مانند چین، روسیه و هند را در شرایط سیستماتیک مشاهده کرده است که به معنای تغییر موازنه اقتصاد سیاسی جهانی به سمت آسیا و فرصت‌هایی است که برای ایران ارائه می‌کند (Saraswat, 2021). یکی از نمودهای سیاست خارجی متوازن و تنوع بخشی به ارتباطات خارجی، در دولت سید ابراهیم رئیسی، ارتباط متناسب با کشورهای جنوب در کنار کشورهای غربی است و یکی از مصداق‌های بارز این سیاست خارجی جنوب‌گرایانه و بر محور تعامل جنوب-جنوب، عضویت در گروه‌ها و سازمان‌های جنوب محور مانند بریکس است که مزایا و فواید بسیار برای موقعیت کنونی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌المللی دارد و البته در کنار آن چالش‌هایی در مقابل گروه بریکس و عضویت ایران در این گروه وجود دارد که قابل ذکر است. در ادامه به منافع و مزایای ناشی از عضویت ایران در گروه بریکس و در مقابل آن چالش‌هایی که گروه بریکس و عضویت ایران در این گروه می‌تواند داشته باشد پرداخته خواهد شد.

۶- کارکرد و مزایای گروه بریکس و ایران

پانزدهمین نشست بریکس در ۲۲ تا ۲۴ اوت ۲۰۲۳ در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی برگزار شد. رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی از رهبران ۶۷ کشور از جمله ایران برای حضور در این اجلاس دعوت کرد. در این نشست، سیریل رامافوسا رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی اعلام کرد که از آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای پیوستن به این گروه دعوت شده است. سرانجام در اجلاس کازان در سال ۲۰۲۴ به غیر از آرژانتین پنج کشور دیگر به عضویت بریکس درآمدند.

سیریل رامافوسا، رئیس‌جمهوری آفریقای جنوبی روز سه‌شنبه در افتتاحیه پانزدهمین نشست بریکس گفت: کشورهای بریکس نماینده یک چهارم از اقتصاد جهان، یک پنجم از تبادلات تجاری و ۴۰ درصد از جمعیت جهان هستند. لوئیس ایناسیو لولا دا سیلوا، رئیس‌جمهوری برزیل نیز در این نشست گفت: غول آمریکای جنوبی به آفریقا بازگشته است تا روابط تجاری، که در دهه گذشته یک سوم کاهش یافته است، تحت طرح همکاری جنوب-جنوب، که شامل ائتلاف دولتی با بخش خصوصی و تأمین مالی پروژه‌های استراتژیک از طریق بانک توسعه جدید (بانک بریکس) قوت بگیرد. پوتین رئیس‌جمهور روسیه نیز در این نشست بر تعمیق همبستگی خود و همکاری با دیگر کشورها، با بازارهای در حال شکل‌گیری و کشورهای در حال توسعه و پیشبرد چند قطبی‌گرایی در جهان و ایجاد دموکراسی در روابط بین‌المللی و مهم‌تر از همه دلار زدایی در بریکس تأکید کرد. نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند نیز در نشست بریکس گفت: هند موتور رشد جهان خواهد بود. انجام اصلاحات در سهولت داد و ستد در هند باعث بهبود عقاید سرمایه‌گذاران شده است. مودی افزود: درآمد هندی‌ها طی ۹ سال گذشته، سه برابر شده است. شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین نیز در اجلاس بریکس گفت: جهان شاهد تغییرات بی‌سابقه‌ای است و جامعه بین‌المللی بر سر دوراهی قرار دارد. شی جین‌پینگ گفت: ما خواهان جنگ سرد جدیدی نیستیم، ما خواهان ثبات و رفاه هستیم و این منطق توسعه انسانی است. او گفت که پکن به تقویت شرکت راهبردی در قالب بریکس و پیشبرد دموکراسی در روابط بین‌المللی و جهان چند قطبی ادامه خواهد داد (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۲).



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۲، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

با توجه به داده‌های موجود و سخنان اعضای بریکس، به اهمیت و نقش روز افزون گروه بریکس در جامعه جهانی و نظام بین‌المللی پی خواهیم

برد و می‌توان گفت عضویت ایران در این گروه، با عنایت به سیاست خارجی دولت سید ابراهیم رئیسی و تأکید آن بر گسترش روابط جنوب-جنوب، مسلماً منافع و موقعیت‌های بسیاری برای ایران، ایجاد خواهد کرد که در ذیل این جستار به مواردی از آن به اختصار اشاره خواهیم کرد.

۶-۱- قدرت اقتصادی بریکس

تقویت قدرت اقتصادی کشورها در برابر قدرت برتر جهانی یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های عملی نمودن موازنه نرم است. با تأکید بر این سیاست، قدرت‌های نوظهور جهانی می‌توانند در ابعاد مختلف موازنه قدرت تک قطبی جهانی را به چالش کشیده و اهداف خود را در سطح جهان دست یافتنی‌تر نمایند. قدرت‌های نوظهور بریکس نیز از این قاعده مستثنی نیستند. کشورهای عضو بریکس در تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و رشد اقتصادی، از کشورهای سرآمد اقتصادی دنیا محسوب می‌شوند (خرمشاد و سیفی، ۱۳۹۸: ۵۳-۵۰). شاید بتوان قدرت اقتصادی بریکس را مهم‌ترین فرصتی دانست که کشورهای در حال توسعه را به مشارکت و همراهی در این گروه ترغیب کرده است. چین در سال ۲۰۲۲ با حدود ۱۸ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی پس از آمریکا در جایگاه دومین قدرت اقتصادی جهان قرار گرفته است. از آنجا که بریکس یک گروه بین‌المللی برای همکاری میان اقتصادهای روبه رشد است، برخلاف سایر گروه‌ها مثل «جی ۷» ساختار بسته‌ای ندارد و همچنین پیشی گرفتن میزان رشد تولید ناخالص داخلی آن از «جی ۷»، منجر به ایجاد چشم‌انداز روشنی برای بریکس و جذابیت آن در میان کشورهای در حال توسعه شده است (فلاحی ۱۴۰۲: ۱۶-۱۵). جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با عضویت در بریکس، از ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و تجربیات این کشورها جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی خود بر اساس رویکرد جنوب و در مقابل رویکرد نظام سرمایه داری بهره‌گیری کند. ایران با برقراری روابط اقتصادی و تجاری نزدیک‌تر با اعضای بریکس، می‌تواند فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجارت در کشور را افزایش دهد و به بازارهای جدید و منابع بیشتری از سرمایه دسترسی پیدا کند.



سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان ۱۴۰۲، دیپلماسی سازمان‌های بین‌المللی؛ ایران و عضویت در بریکس

۶-۲- ایجاد نظام چندقطبی توسط بریکس

همانگونه که رئالیست‌ها تأکید دارند اگر یک دولت، قدرت فوق‌العاده زیادی داشته باشد از قدرت خود استفاده می‌کند و به کشورهای ضعیف حمله می‌کند. این امر موجب می‌شود دولت‌هایی که در معرض خطر هستند برای پیوستن به ائتلاف‌های تدافعی انگیزه پیدا کنند. در نظام تک قطبی به

رهبری آمریکا، سایر کشورها بخصوص کشورهای در حال توسعه جنوب، در معرض تهدیدات اقتصادی، سیاسی و نظامی بسیاری توسط کشورهای توسعه یافته شمال به رهبری آمریکا قرار دارند. به همین دلیل، کشورهای بریکس جهت ایجاد مقابله با تهدید و موازنه‌گری سخت و نرم با رقیب، با یک ائتلاف به دنبال توازن و در پی ایجاد نظام بین‌المللی چندقطبی هستند. در وضعیت نظام چندقطبی که با کاهش قدرت و تأثیرگذاری آمریکا همراه است، جمهوری اسلامی ایران زمینه مساعدی را برای تأمین منافع ملی خود در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی فراهم می‌بیند. درواقع نظم چندقطبی را می‌توان به نوعی نظم مطلوب و البته نه آرمانی جمهوری اسلامی ایران در فضای بین‌المللی کنونی دانست. در این فضا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بدون تحمل فشارهای آمریکا و در فضای توزیع قدرت، نقش منطقه‌ای و حتی جهانی خود را افزایش دهد (خرمشاد و سیفی، ۱۳۹۸: ۵۸). اقتصاد جهانی در حال تغییر یک پارادایم است، از الگوی اقتصادی تحت سلطه غرب به الگوی پیچیده‌تر و چند قطبی. مراکز مصرف، تولید و نوآوری، دیگر صرفاً در اقتصادهای غربی متمرکز نیستند بلکه به سمت اقتصادهای نوظهور در مناطق و قاره‌های مختلف همچون گروه بریکس تغییر یافته‌اند (خردمندان و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۶).

۶-۳- ساختار مالی بریکس

در اجلاسی که در فورالتزا برزیل در سال ۲۰۱۴ برگزار شد، پنج کشور تشکیل دهنده بریکس در مورد تأسیس مؤسسات مالی خود به توافق رسیدند. این ساختار مالی دارای دو بخش است: «بانک توسعه جدید» و «قرارداد اندوخته احتیاطی». بانک توسعه جدید به منظور اهداف زیرساختی و توسعه پایدار، هم به کشورهای بریکس و هم سایر اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور، وام می‌دهد. در این زمینه، کشورهای در حال توسعه به دنبال منبع جدید تأمین مالی با شرایط انعطاف پذیرتر هستند. قرارداد اندوخته احتیاطی، یک توافق بین بانک‌های مرکزی بریکس، برای حمایت متقابل در هنگام بحران ناگهانی ارز است. این دو مؤسسه به دنبال نارضایتی مداوم بریکس از صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی ایجاد شدند. حتی پس از چندین دوره اصلاحات، پنج کشور بریکس با وجود بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان و بیش از یک پنجم تولید ناخالص داخلی جهانی، کمتر از ۱۳ درصد از حق رای در بانک جهانی را در اختیار دارند. ناهماهنگی بین قدرت اقتصادی و حق رأی در صندوق بین‌المللی پول نیز قابل توجه است. در اینجا، اقتصادهای بریکس تنها از ۱۱ درصد آرا برخوردار هستند (Schollmann, 2014: 1). با توجه به تحریم‌ها علیه ایران و عدم سازگاری ایران با نهادهای مالی به محوریت

غرب و آمریکا و در مقابل همکاری ضعیف و نامناسب این نهادها با ایران، ساختار مالی بریکس، می‌تواند جایگزین مناسبی برای ایران جهت انجام عملیات مالی آن همچون اخذ وام باشد.

۶-۴- جایگزینی سوئیفت توسط بریکس

بریکس در حال بررسی یک سیستم پرداخت جهانی جدید برای تجارت بین‌الملل است که جایگزینی برای سوئیفت خواهد بود. آنتون سیلوانوف، وزیر دارایی روسیه، می‌گوید: این امر به بریکس اجازه می‌دهد تا به تلاش‌های دلار زدایی خود ادامه دهد و از نفوذ غرب بر پرداخت‌های مالی جهانی فاصله بگیرند. وی افزود: به همین دلیل این موضوع باید توسط مقامات مالی و آژانس‌های مالی کشورهای عضو بریکس مورد بحث قرار گیرد (Karbalaei, 2023). روسیه به عنوان یکی از مهم‌ترین اعضای بریکس در سال ۲۰۱۴ به دلیل الحاق شبه جزیره کریمه به خاک خود از سیستم سوئیفت بین‌المللی منع شد. در همان سال سیستم پیام رسان روسیه با نام، (SPFS) به عنوان جایگزین سوئیفت بین‌المللی راه اندازی شد. چین نیز به منظور کاهش آسیب پذیری در مقابل تحریم‌ها و جنگ تجاری آمریکا، سیستم پرداخت بین بانکی فرامرزی چین (CIPS) را راه اندازی کرده است. پکن و مسکو از طریق سامانه‌های بومی بدون هیچ‌گونه محدودیتی اطلاعاتی مشابه به پیام‌های سوئیفت ارسال می‌کنند. اما مسأله این است که این شبکه‌های پیام رسان مالی بیشتر کارکرد داخلی دارند و فعلاً به طور مشترک میان چند کشور عمل نمی‌کنند، اما قابلیت اتصال به بانک‌های کشورهای عضو بریکس را دارند. ایجاد شبکه سوئیفت بین کشورهای عضو بریکس، یک فرصت قابل توجه برای اعضا محسوب می‌شود. امکان توافق میان اعضای بریکس برای راه اندازی سیستم موازی سوئیفت در آینده، دور از انتظار نیست. قابل ذکر است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل قرار داشتن تحت تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی از دسترسی به سوئیفت محروم است (فلاحی، ۱۴۰۲: ۱۴-۱۵).

۶-۵- انرژی و اعضای بریکس

کشورهای نوظهور اقتصادی از جمله چین، هند، برزیل و روسیه رقابتی جدی را در روند منابع انرژی جهانی در مقایسه با دیگر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه آغاز کرده‌اند و ایران به دلیل برخورداری از منابع غنی هیدروکربنی در کنار رشد اقتصادی آن در حوزه منطقه‌ای و حتی بین‌المللی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. بر همین اساس، گسترش ارتباط با کشورهای حوزه بریکس نیز از اولویت‌های نخست ایران به شمار می‌رود. مناسبات رو به جلو میان

چین، روسیه و هند به همراه دیگر اعضای بریکس و رویکرد این گروه در قبال ایران، به همراه تقاضای فزاینده دو قدرت بزرگ آسیا، ظهور دوباره روسیه‌ای مستقل در روابط بین‌الملل که قدرت آن با منابع انرژی تقویت شده است، این زمینه را برای تهران به وجود آورده است تا به شرکای مهم در حوزه انرژی و اقتصادی بیاورد که البته با جهت‌گیری سیاست خارجی تهران و تمایل بیشتر به شرق به ویژه کشورهای چین و روسیه همخوانی دارد و می‌تواند زمینه جذب سرمایه‌های بیشتر را در حوزه انرژی از طریق تشکیل کنسرسیوم شرکت‌های ملی نفت اوراسیا و همچنین توسعه بازارهای این عرصه به همراه تقویت مناسبات منطقه‌ای را در این ارتباط فراهم آورد و در نتیجه می‌تواند تأثیر منفی تحریم‌ها را نیز خنثی نماید (ولی‌زاده و هوشی سادات، ۱۳۹۲: ۱۱۵-۱۱۰). جمهوری اسلامی ایران پس از تحریم‌ها ثابت کرده است که یکی از روش‌های مؤثر در سیاست خارجی به منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی، استفاده از ابزارهای اقتصادی است. مع‌الوصف، جمهوری اسلامی ایران امیدوار است که در صورت عدم همکاری غرب و کشورهای شمال، شرکت‌های چینی و روسی در قالب بریکس بتوانند فروش نفت و گاز ایران را تضمین کنند (خردمندان و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۸).

۶-۶- همکاری جنوب-جنوب

بریکس همکاری جنوب-جنوب را با به اشتراک گذاشتن تجربیات توسعه و نیز بسط همگرایی تقویت کرده است. کشورهای عضو در مورد سیاست‌های توسعه، کاهش فقر و برنامه‌های رفاه اجتماعی گفتگو کرده‌اند. گفتگوهای دوام دار به آنها امکان می‌دهد از موفقیت‌ها و چالش‌های یکدیگر درس بگیرند. این همکاری به توسعه و رفاه کلی کشورهای عضو کمک کرده است (گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۲: ۱۹). جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیتی که به روابط جنوب-جنوب در سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک خود می‌دهد، می‌تواند به خوبی از توانایی‌های کشورهای جنوب بخصوص اعضای بریکس در جهت ارتقای امنیت اجتماعی، امنیت انسانی و امنیت غذایی خود بهره‌برد و در صورت لزوم از تجربیات ناموفق بعضی از این کشورها درس بگیرد. بسیاری از اعضای بریکس از جمله چین در زمینه دانش و فناوری و اقتصاد دیجیتال بسیار پیشرفت داشته و زیرساخت‌های عمرانی و اقتصادی خود را توسعه داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در کنار روابط دو جانبه، در قالب کارگروه‌های بریکس از تجربیات و دانش و تکنولوژی کشورهای بریکس استفاده کند.

۶-۷- کاهش اثرات تحریم

در فضای پس‌ابرجام و تحریم‌های آمریکا، ایران می‌تواند با عضویت در

بریکس، روزهایی برای رهایی از تحریم بیابد. یکی از برنامه‌های اصلی بریکس، کاهش وابستگی اعضا به ارزهای دلار و یورو است. در نشست رهبران بریکس که در سپتامبر ۲۰۱۷ در شیامن چین برگزار شد، اعضای بریکس تصمیم گرفتند صندوق اوراق بهادار از ارزهای محلی ایجاد کنند. میخائیل کالوگین رئیس بخش مربوط به امور بریکس وزارت امور خارجه روسیه در مه ۲۰۱۸ گفته است: «اعضای بریکس روابط کاملاً توسعه یافته‌ای با ایران دارند و بریکس مخالف تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران است» (سیمبر، رضاپور و فاضلی، ۱۳۹۸: ۱۷۸). در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، رهبران بریکس بارها مخالف خود را با تحریم‌های آمریکا علیه ایران ابراز داشتند. تا جایی که در اجلاس بریکس که در دهم مارس ۲۰۱۲ در دهلی نو برگزار شد ایران محور مذاکرت این گروه بود (خردمندان و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۷). جمهوری اسلامی ایران در قالب روابط جنوب-جنوب و استفاده از ارزهای محلی، ائتلاف انرژی با اعضای بریکس، بهره‌گیری از نهادهای بریکس و استفاده از توان سیاسی و اقتصادی بریکس در مجامع بین‌المللی، از میزان و اثرات تحریم‌های یکجانبه علیه ایران بکاهد.

۶-۸- ایران، مرکز کمر بند-راه چین

ایران با قرار گرفتن در مرکز غرب آسیا و در یک موقعیت جغرافیایی ویژه، در بسیاری از مسائل ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی منطقه و حتی جهان درگیر است. به همین دلیل ایران به یک بخش جدایی ناپذیر کریدور چین-آسیای مرکزی-آسیای غربی تبدیل شده است. شی جین پینگ در سفر سال ۲۰۱۶ به ایران و دیدار با حضرت آیت الله خامنه‌ای، به روابط و تعاملات بین دو تمدن در امتداد جاده ابریشم باستانی به عنوان مبنایی برای ایجاد همکاری‌های آینده در مسیر جاده ابریشم جدید تأکید کرد (Forough, 2021: 299-292). مسیر جاده ابریشم جدید طرح چین با نام «ابتکار کمر بند-راه»، است که به عنوان یک طرح فراگیر منطقه‌ای ۶۵ کشور را در بر می‌گیرد و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی، تجاری، علمی و فرهنگی است که می‌تواند آثار و پیامدهای وسیعی در منطقه داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران در طرح جاده ابریشم جدید چین جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است و این یک فرصت مناسب است تا ایران بتواند با تقویت ارتباطات خود در بخش‌های مختلف، از میزان تنهایی ژئوپلیتیک خود در منطقه بکاهد (خداقلی‌پور، ۱۳۹۶: ۳۹). جمهوری اسلامی ایران در قالب گروه بریکس و گسترش روابط با کشورهای عضو مجمع بریکس، به‌ویژه چین، می‌تواند دخالت و همکاری بیشتری در این طرح داشته باشد و ارتباطات خود را با کشورهای دیگر گسترش دهد و خود را به مرکز شاه راه بین‌المللی شرق به غرب و شمال به جنوب تبدیل کند و از مزایای بسیار آن بهره‌برد.

۷- چالش‌های گروه بریکس و ایران

در کنار توانایی‌ها و اهمیت گروه بریکس در نظام بین‌المللی و قدرت آن در شکل دادن به معیارها و مبانی نوینی در نظم بین‌المللی موجود، این گروه با چالش‌ها و ضعف‌هایی روبه‌رو است که عملکرد و قدرت آن را به شکل مواجهه می‌کند تا این سازمان مهم و استراتژیک و قدرتمند بر محور روابط جنوب-جنوب، در حال حاضر نتواند به خوبی در مقابل محور شمال و نظم بین‌المللی غرب محور و آمریکا محور صف‌آرایی کند و باید منتظر ماند و آینده گروه بریکس را نظاره کرد. در ادامه این نوشتار و به اختصار به مواردی از چالش‌های پیش‌روی گروه بریکس که می‌تواند بر روابط ایران با این گروه نیز تأثیر بگذارد اشاره خواهیم کرد.

۷-۱- قدرت نابرابر اقتصادی اعضای بریکس

کشورهای عضو بریکس سطح اقتصادی یکسان و برابری ندارد. در حالیکه سال ۲۰۱۸ میلادی تولید ناخالص داخلی چین رقم بر اساس شاخص قدرت خرید برابر با ۲۵،۲۷۰ میلیارد دلار بوده است این رقم برای هند ۱۰،۵۰۵ و برای روسیه ۴،۱۶۸ و برزیل ۳،۳۶۵ و برای آفریقای جنوبی ۷۹۴ میلیارد دلار بوده است. این تفاوت مشهود اقتصادی میان اعضای بریکس خصوصا چین با کشورهای ضعیف‌تر، جایگاه و نقش‌های متفاوتی را در عرضه اقتصادی برای کشورهای بریکس ایجاد نموده است (خرمشاد و سیفی، ۱۳۹۸: ۶۳-۶۲). علیرغم اینکه کشورهای بریکس مجموعاً بیش از ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می‌دهند، تولید ناخالص داخلی چین بالاتر از مجموع چهار کشور دیگر است. همچنین، پکن اغلب با اقتصادهای پیشرفته بیشتر از کشورهای در حال توسعه ارتباط دارد (Duggan and other, 2022: 472). کشورهای عضو بریکس همگی از قدرتهای نوظهور اقتصادی محسوب می‌شوند اما شاخص‌های قدرت اقتصادی و سیاسی میان اعضای این گروه به شکل فاحشی نابرابر است. چین با اختلاف قابل توجه جایگاه برتری نسبت به سایر اعضا دارد. قدرت اقتصادی چین نشان می‌دهد که تعامل تجاری سایر اعضای بریکس با پکن صرفاً یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر برای آنها است. این امر توانایی اعمال نفوذ چین بر گروه بریکس را افزایش داده است. الگوی رفتار اقتصادی اعضای بریکس به‌ویژه چین، مبتنی بر ملاحظات سیاسی نیست، بلکه از فاکتورهای اقتصادی پیروی می‌کند (فلاحی، ۱۴۰۲: ۲۰-۱۹). بنابراین، می‌توان گفت هژمونی چین بر گروه بریکس کاملاً مشهود است و یک رابطه نابرابر میان چین و سایر اعضای بریکس برقرار است و گروه بریکس می‌تواند ابزاری در دست چین برای رقابت با غرب و آمریکا باشد و به این طریق کاربرد گروه بریکس

برای ایران که به دنبال مقابله با هژمونی و ایجاد جهان چند قطبی است، از بین خواهد رفت.

۷-۲- اختلاف کشورهای عضو بریکس

بی‌اعتمادی و تنش‌های زیادی در روابط دو جانبه میان کشورهای بریکس وجود دارد، زیرا آنها یکدیگر را به عنوان تهدید و رقبای بالقوه می‌بینند و این امر همکاری آنها را محدود می‌کند. این امر به‌ویژه در مورد رقابت منطقه‌ای فزاینده بین چین و هند در جنوب آسیا و بین چین و روسیه در آسیای مرکزی صادق است. روابط چین و هند همچنان تنش‌هایی در رابطه با جنگ ۱۹۶۲، اختلافات مرزی حل نشده، حمایت سیاسی و نظامی چین از پاکستان و برداشت چین از حمایت هند از تبت (و تایوان) دارد. از آنجایی که چین و هند هر دو در حال مدرن سازی ارتش خود هستند، آنها همچنین به طور بالقوه بر سر کنترل اقیانوس هند رقابت می‌کنند و ممکن است در یک مسابقه تسلیحاتی بالقوه شرکت کنند. روابط چین و روسیه نیز دارای نقاط تنش‌زا است، اگرچه روابط آنها پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی بهبود یافته است اما هنوز مذاکرات دشواری بر سر واردات تسلیحات چینی از روسیه و ساخت خط لوله نفت از روسیه به چین وجود دارد که نشان از بی‌اعتمادی خاصی به همکاری نظامی و انرژی میان آنها دارد. روسیه از رشد اقتصادی و نظامی چین احساس خطر می‌کند و می‌ترسد به عنوان تأمین کننده مواد خام برای رشد چین باقی بماند (Mottet, 2013: 6). به علاوه، ورود ایران و عربستان به بریکس نیز مجموعه‌ای از چالش‌ها را هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی به همراه دارد. برخلاف عربستان که روابط نسبتاً مناسبی با آمریکا دارد، برای چند دهه است که روابط دیپلماتیک ایران با آمریکا قطع شده و مرتباً تحریم‌های بسیاری علیه ایران اعمال می‌شود. از نظر اقتصادی، هر دو کشور عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) هستند. این امر در بحبوحه رقابت شدیدتر برای دسترسی به منابع انرژی، بعد جدیدی از نفوذ به بریکس اضافه می‌کند (Daldegan, 2023: 2). ایران و عربستان دو کشور قدرتمند منطقه خاورمیانه هستند که در یک رقابت دائمی جهت کسب هژمونی منطقه و تسلط بر خاورمیانه قرار دارند. عضویت این دو کشور در گروه بریکس با توجه به اختلافاتی که باهم دارند می‌تواند هم مشکلاتی برای بریکس و هم منافع این هر دو کشور به وجود آورد. در کنار اختلافات چین و هند، اختلاف ایران و عربستان نیز به گروه بریکس اضافه می‌شود و دیگر اینکه با عضویت عربستان در بریکس بر تعداد کشورهای عضو بریکس که روابط مستحکم با شمال و آمریکا دارند افزوده می‌شود و اینها چالش‌هایی برای بریکس ایجاد می‌کند.

۷-۳- سیاست متفاوت اعضای بریکس

بریکس یک ترتیبات نهادی بسیار اندک دارد و بدون اساسنامه، دبیرخانه و یا دفتر مرکزی است. به طور خلاصه می‌توان گفت که بریکس یک سازمان بین‌المللی نیست و نهایتاً باید گفت که یک توافق مشترک الزام‌آور که دولت‌ها را ملزم کند اقدامات خود را حول موضوعات خاص هماهنگ کنند وجود ندارد و دوام بریکس بستگی به ارتباطاتی دارد که کشورها در سیاست خارجی خود در قبال سایر اعضا قرار می‌دهند. به همین دلیل در زمان‌هایی ارتباط بعضی اعضا با بریکس بسیار سست شده و پیگیری اهداف آن کم‌رنگ گردیده است. به طور مثال: با برکناری دیلما روسف و ظهور دولت میشل تمر، در برزیل دستور کار اقتصادی نئولیبرال به عنوان اولویت این کشور تعیین شد و ارتباط با کشورهای شمال در محور سیاست خارجی این کشور قرار گرفت. اگرچه برزیل در بریکس باقی ماند اما رهبری آن در بیان مطالبات و ایده‌های مشترک در جنوب جهانی دچار اضمحلال شد (da Silva and Gomes, 2019: 30). جدای از موضوعات اقتصادی، رویکردها و کنش‌های سیاسی هر کدام از کشورهای بریکس در تعامل با مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی، هنوز یک دست و همگن نشده است و این مسئله می‌تواند در پیوستن یا عدم پیوستن سایر کشورها به این نهاد بین‌المللی تأثیر گذار باشد. واقعیت این است که خود این نهاد با وجود عضویت کشورهای قدرتمند اقتصادی، به لحاظ سیاسی هنوز یک دست نیست. در حالی که چین و روسیه از منظر تعامل با رخدادهای جهانی اغلب موضع مشترک یا نزدیک به هم دارند، کشورهای آفریقای جنوبی و برزیل یا هند، متناسب با نظام‌های اقتصادی و سیاسی خود که بیشتر به سرمایه‌داری غرب نزدیک است، مواضع متفاوتی با شرکای اقتصادی خود در قبال مسائل گوناگون اتخاذ می‌کنند (سلطانی و شهبازی، ۱۳۹۴: ۱۸۶). کشورهای عضو بریکس از نظر سیاسی و اقتصادی بسیار متنوع هستند که باعث می‌شود ارزش‌ها و منافع متضادی داشته باشند. چین و روسیه اقتدارگرا هستند و انواعی از سرمایه‌داری دولتی را اعمال می‌کنند، در حالی که هند، برزیل و آفریقای جنوبی دموکراسی‌های بزرگ و پراکنده هستند. این تفاوت‌ها در ارزش‌های سیاسی در میان اعضای بریکس، هند، برزیل و آفریقای جنوبی دموکراتیک را از چین و روسیه مستبعد متمایز کرده است. اختلاف این کشورها در مجامع بین‌المللی نیز مشهود است. در مسأله سوریه، روسیه و چین دو بار قطعنامه‌های مداخله علیه رژیم اسد را وتو کردند، اما هند، برزیل و آفریقای جنوبی یا به آن رأی مثبت دادند یا اصلاً رای ندادند (Mottet, 2013: 6). بنابراین، با چنین اختلافاتی در سیاست داخلی و خارجی در میان اعضا، که باید اختلافات سیاسی ایران و عربستان را به عنوان اعضای جدید نیز به آن اضافه کرد، بعید به نظر می‌رسد که بریکس به این زودی بتواند جهان تک قطبی آمریکا محور را به چالش بکشد و اعضای آن



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۳، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

(و ایران) از مزایای روابط جنوب-جنوب و نظام چند قطبی بهره‌مند گردند.

۷-۴- روابط عمیق اعضا با شمال جهانی

اهمیت روابط با ایالات متحده آمریکا و حتی اروپا، برای هر یک از اعضای بریکس، توسعه و ارتقای گروه بریکس را محدود می‌کند. بسیاری از اعضای بریکس روابط نزدیک‌تری با ایالات متحده دارند تا هر یک از آنها با یکدیگر. بنابراین، هرگونه اقدامی برای تبدیل بریکس به یک اتحاد ضد آمریکایی بسیار بعید به نظر می‌رسد (Mottet, 2013: 7). کشورهای بریکس از سه قاره متفاوت با فرهنگ‌های گوناگون و رهیافت‌های اقتصادی مختلف‌اند که نوعی ناهماهنگی میان این گروه به وجود آورده است. بخشی از این بلوک یعنی هند، آفریقای جنوبی و برزیل، به نظام بازار آزاد و اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال بیشتر توجه دارند تا سیاست چین (سلطانی و شهبازی، ۱۳۹۴: ۱۸۳). به دلیل وابستگی شدید اعضای بریکس به بازارهای اروپا و ایالات متحده، آنها بیشتر شبیه پیروان بی‌میل آن قدرت‌های غربی عمل کرده‌اند تا قهرمانان قدرتمند واقعی. کشورهای بریکس «صدا» می‌خواهند، نه «تغییر». آنها برای «نظم» دیگری نمی‌جنگند، بلکه فقط برای به دست آوردن ابزار سیاسی برای دفاع بهتر از منافع ملی خود در چارچوب کنونی می‌جنگند. هدف اصلی کشورهای بریکس حفظ وضعیت موجود است که این کشورها در آن نفوذ بیشتری دارند (Doval, 2015: 8). برای بسیاری از کشورهای عضو بریکس حتی چین، کماکان آمریکا یک شریک بزرگ تجاری است و کشور هند روابط تجاری و سیاسی بیشتری با آمریکا در مقایسه با اعضای بریکس دارد. حتی برخی اعضای جدید بریکس همچون عربستان سعودی نیز روابط عمیقی با آمریکا دارند و ارتباط با شمال جهانی بر ارتباط آنها با محور جنوب ارجحیت دارد. بنابراین، روابط دوجانبه عمیق بسیاری از اعضای بریکس با شمال جهانی و آمریکا مانع شکل‌گیری نظام چندقطبی و تغییر پارادایم حکمرانی جهانی می‌شود و این امر مانع از بهره‌گیری درخور توجه ایران از این گروه می‌شود.

۷-۵- ورود اعضای جدید به بریکس

ورود اعضای جدید و عضویت کشورهای بیشتر در بریکس در کنار منافع که برای این گروه دارد، چالش‌هایی هم برای بریکس ایجاد می‌کند. اعضای جدید قدرت اقتصادی بریکس را افزایش می‌دهد اما در مقابل تفاوت و اختلاف در قدرت اقتصادی میان اعضا با یکدیگر بسیار فاحش و زیاد می‌شود. در کنار اینکه بر وسعت جمعیت و سرزمین گروه بریکس افزوده خواهد شد، اختلافات سیاسی و تفاوت فرهنگی و اجتماعی اعضا نیز بیشتر می‌شود. با ورود اعضای جدید اختلافات سیاسی میان کشورهای عضو نیز



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۲، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

افزایش خواهد یافت. به طور مثال اختلافات عربستان با ایران به اختلافات چین با هند و... افزوده خواهد شد. ورود اعضای جدیدی همچون ایران و عربستان رقابت‌های درون گروه را افزایش می‌دهد. در نهایت اینکه بسیاری از اعضای جدید همچون عربستان سعودی، بسیار به شمال جهانی و آمریکا وابسته هستند و روابط عمیقی با آمریکا دارند. معضلات و مشکلات فراروی بریکس را می‌توان در فرهنگ‌های متفاوت و سطوح مختلف توسعه اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی اعضا، برخورداری از مدل‌ها و نظام‌های سیاسی متفاوت، میزان تفاوت مدرنیزه کردن و میزان سرمایه‌گذاری خارجی متفاوت در این کشورها و روابط عمیق اقتصادی تمامی اعضا با کشورهای غربی خلاصه کرد (سلطانی و شهبازی، ۱۳۹۴: ۱۸۹) که با اضافه شدن اعضای جدید بر میزان این مشکلات و معضلات افزوده خواهد شد. این عوامل مانع از آن می‌شود که بریکس مسئولیت خود را به درستی پیش ببرد و اهدافی که برای آن مقرر شده است تحقق نخواهد یافت. در نتیجه کشورهای عضو همچون جمهوری اسلامی ایران هم نخواهند توانست بهره کافی را از بریکس ببرند و تنها با یک کارکرد نمادین روبه‌رو خواهند شد.

نتیجه‌گیری

عضویت ایران در گروه بریکس فرصت‌ها و چالش‌هایی برای آن خواهد داشت و باید با مراقبت از چالش‌های پیش‌رو در این مسیر، کشور بتواند از مزایای روابط بین‌المللی جنوب محور به درستی بهره‌مند گردد. در سال‌های اخیر و در دوران ریاست جمهوری سید ابراهیم رئیسی، جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی کشور، به روابط با کشورهای جنوب و محور جنوب-جنوب بسیار علاقه نشان داده است. یکی از مصادیق گرایش به جنوب، عضویت در سازمان‌های جنوب محور همچون گروه بریکس است. اما عضویت در گروه بریکس و پیگیری سیاست جنوب محور ضمن اینکه مزایای بسیاری برای کشور خواهد داشت، می‌تواند چالش‌های در مسیر سیاست خارجی، دیپلماسی و منافع کشور ایجاد کند. بدون شک روابط با کشورهای جنوب و عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون بریکس منافع بسیاری برای کشور خواهد داشت، اما در کنار این روابط نباید ایران از کشورهای غربی و روابط با شمال غافل گردد و همزمان باید از منافع همکاری‌های گسترده در هر دو محور شمال و جنوب بهره‌مند شود. جمهوری اسلامی ایران قبل از هرگونه عضویت در گروه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باید شناختی جامع از ماهیت و اهداف و ساختار گروه‌ها و سازمان‌ها داشته باشد تا با در دست داشتن اطلاعات کافی به صورت دقیق و جامع تعریف کند که چه برنامه‌ای و هدفی از عضویت در گروهی همچون بریکس دارد و با عضویت در این گروه قرار است چه منافع و اهدافی را دنبال کند نه اینکه

صرفاً چون یک گروه جنوب محور و در مقابل آمریکا است عضو گروه گردد. بدون شک عضویت در هر سازمان و گروه و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند شناخت و برنامه جامع و عمیق و دقیق است. در گروه بریکس، سیاست‌های اقتصادی متفاوتی در میان اعضا وجود دارد و سیاست خارجی اعضا نیز اختلافات بسیاری باهم دارند. در حالی که ما در ایران با یک نگاه ژورنالیستی فکر میکنیم که ماهیت گروه بریکس ضد آمریکایی و ضد محور شمال است، اما بسیاری از کشورهای بریکس همچون هند و برزیل روابط بیشتر و عمیق‌تری با آمریکا نسبت به محور جنوب دارند و در خصوص اعضای جدید مانند عربستان هم این مسأله صادق است. پس ایران نباید با یک نگاه سطحی و با هدف رقابت و مقابله با آمریکا به دام هژمونی چین بیفتد. هدف جمهوری اسلامی ایران از عضویت در بریکس، گسترش دیپلماسی فرامنطقه‌ای و روابط دو جانبه و چند جانبه با کشورهای در حال توسعه با تأکید بر کشورهای محور جنوب و تقابل با نظام تک قطبی آمریکا محور است. اما باید توجه داشت که کشورهای عضو بریکس همچون روسیه نیز سابقه روشنی در ارتباط با ایران ندارند و در ارتباط با چین و هند و برزیل نیز کشور همیشه شاهد بدعهدی‌های آنها بوده است فلذا نباید به خیال مقابله با نظام غرب محور و آمریکا از بلوک شرق و روسیه و چین نیز غافل شویم. جمهوری اسلامی ایران باید ضمن حفظ تعادل در روابط بین‌المللی خود، به منظور بهره‌برداری درست و منطقی از منافع ائتلاف‌های فرامنطقه‌ای همچون بریکس یک رویکرد نهادمند و نظام‌مند و با برنامه‌ریزی و شناخت جامع در قبال بریکس ایجاد کند. آنگونه که به نظر می‌رسد گروه بریکس یک ائتلاف ضد نظام تک قطبی و غرب محور و آمریکا محور است و به دنبال ایجاد نظام بین‌المللی چند قطبی است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این فرصت استفاده کرده و از این نهاد بهره بگیرد تا صدای غیر غربی خود را بلندتر و رساتر کرده و با گسترش ارتباطات بین‌المللی خود، مانع از یکجانبه‌گری و تحریم‌های ظالمانه آمریکا و غرب علیه ایران شود. ضمن اینکه در قالب این گروه و در ارتباط با کشورهای بریکس، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مبادلات انرژی خود را گسترش دهد، از دانش و فناوری کشورهای در حال توسعه بهره گیرد و در کنار جذب سرمایه‌های خارجی، زیر ساخت‌های خود را تقویت کند. دو کشور از پنج کشور عضو بریکس (روسیه و چین) در سازمان ملل حق وتو دارند و کشورهای هند و برزیل هم از متقاضیان عضو جدید نظام حق وتو هستند و همگی کشورهای عضو بریکس از کشورهای قدرتمند و در حال رشد اقتصادی می‌باشد. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با یک برنامه جامع و دقیق می‌تواند با استفاده از ظرفیت بالای بریکس، ارتباطات بین‌المللی خود را گسترش دهد، از اثر تحریم‌های یکجانبه آمریکا و غرب بکاهد، قدرت اقتصادی خود را بهبود

ببخشد و موقعیت سیاسی خود را در نظام بین‌الملل ارتقا دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آقای، سید داوود (۱۳۸۱). ایران و سازمان‌های بین‌الملل. تهران: چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ترابی فرد، میلاد (۱۴۰۱). بریکس؛ تاریخچه، کارکرد و ملاحظات الحاق ایران به این گروه. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۲۲۰۱۸۵۸۸، دفتر مطالعات اقتصادی.

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) (۱۴۰۲). پانزدهمین نشست بریکس / چین: جامعه بین‌المللی بر سر دوراهی قرار دارد. بخش سرویس جهان، دی ماه ۱۴۰۲، <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۲۰۵۳۱۲۰۴۷۳>

خداقلی‌پور، علیرضا (۱۳۹۶). ابتکار کمربند راه چین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست خارجی. ۳۱ (۱).

خرمدندان، آرزو و بهرام یوسفی و روح‌اله شهابی و شیوا جلال‌پور (۱۳۹۹). بررسی روابط گروه بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سپهر سیاست، ۷ (۲۶).

خرمشاد، محمدباقر و عبدالرضا سیفی (۱۳۹۸). بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۴۰.

دهشیری، محمدرضا و زهرا بهرامی (۱۳۹۴). نگاه استراتژیک چین به بریکس. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۸۹.

رنجکش، محمدجواد و عبدالله احمدی نیک (۱۳۹۷). کاربست نظریه فاکتر ریتگر در فرایند شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی، مورد پژوهی: سازمان همکاری شانگهای. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۳ (۲).

سازمند، بهاره (۱۳۸۷). مطالعه سازمان‌های بین‌المللی از چشم‌انداز تئوریک. فصلنامه سیاست، ۳۸ (۲)، ۱۳۹-۱۱۹.

سلطانی، فخرالدین و مریم شهبازی (۱۳۹۴). بریکس؛ اهداف و چالش‌های پیش رو. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۶ (۲۴).

سلیمانی، رضا (۱۴۰۱). تحلیل گفتمانی سیاست خارجی دولت سیزدهم. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی. ۱۲ (شماره ویژه).

سیمبر، رضا و دانیال رضاپور و سامان فاضلی (۱۳۹۸). فرصت‌های ایران در قبال نقش آفرینی گروه بریکس در نظام بین‌الملل چندقطبی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۷ (دوره ویژه).



سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان ۱۴۰۲، دیپلماسی سازمان‌های بین‌المللی؛ ایران و عضویت در بریکس

فصلنامه مطالعات بین‌المللی

فلاحی، احسان (۱۴۰۲). تأملی در ماهیت گروه بریکس و روابط آن با جمهوری اسلامی ایران، فرصت‌ها و چالش‌ها. دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۹۲۲۷.

کریمی، غلامرضا (۱۳۸۵). جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های بین‌المللی. فصلنامه علوم سیاسی، ۹ (۳۶).

مرزبانی، فروزان و حسین پلونده (۱۳۹۹). چشم‌انداز عضویت ایران در بریکس و تحلیل ظرفیت‌های آن در آینده مناسبات دو طرف. مجله بین‌المللی پژوهش ملل، ۶ (۶۱).

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۲). عضویت ایران در بریکس. مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی، تیرماه ۱۴۰۲.

منصوری، میلاد، محمد ترابی و ماشاءالله حیدرپور (۱۴۰۱). تحلیل راهبرد توسعه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی گروه بریکس، چشم‌انداز آینده. فصلنامه سیاست جهانی، ۱۱ (۱).

ولی‌زاده، اکبر و سیدمحمد هوشی سادات (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک انرژی بریکس و جایگاه ایران. فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۳ (۲).

یزدانی، عنایت‌الله و سعیده مرادی‌فر (۱۳۹۶). تبیین تأثیر و نقش بریکس بر نظم جدید جهانی. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۷ (۲۳).

انگلیسی

Journal. Muhammad (2014) BRICS: A Challenge to the US Hegemony Adnan of Professional Research in Social Sciences, JPRSS, (1), July 2014

Beeson mark and troy lee-brown (2021). Regionalism for Realists? The Evolution of the Indo-Pacific. *Chinese Political Science Review*. Available at: <https://doi.org>

BRICS information Centre (2017). 8 the BRICS summit goa declaration. Available at: <http://www.brics.utoronto.ca/docs/161016-goa.pdf>

Brooks Stephen G. (1997). Dueling Realisms. *International Organization* 51, 3, Summer 1997, 445-77

da Silva Roberta Rodrigues Marques and Eduardo Rodrigues Gomes (2019). BRICS as a transregional advocacy coalition. *Austral: Brazilian Journal of Strategy & International Relations*, 8 (18), Jan

Daldegan, W. (2023). *Opinion – The Expansion of BRICS: Challenges and*



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۲، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

Uncertainties. Available at: <https://www.e-ir.info/2023/opinion-the-expansion-of-brics-challenges-and-uncertainties>

Doval Pereyra G. (2015). Forming coalitions: the case of Brazil in the BRICS. *JANUS.NET, e-journal of International Relations E-ISSN: 1647-7251* janus.net@ual.pt, Vol. 6, n. ° 2 (November 2015-April 2016), 1-15

Duggan niall, bas hooijmaaijers, marek rewizorski and ekaterina arapova (2022) Introduction: 'The BRICS, Global Governance, and Challenges for South-South Cooperation in a Post-Western World. *International Political Science Review* 2022, 43(4), 469-480

J. A. (2014). The BRICS and trade union action Issues for discussion. Felício *Coordination and Organization International Relations Department Technical and Scientific Advice Subsection of DIEESE – CUT Support Fundação Friedrich Ebert*, Translation Robert Stuart July, 2014

Forough M. B. (2021). Iran as a 'Civilizational Crossroads' in the Belt and Geography. *Geographic Agency*, Asserting Agency through Regional Road .Connectivity Edited by Florian Schneider Amsterdam University

Forough M. (2021). Raisi's Foreign Policy: Pragmatic Revolutionism and the Iranian Pivot to Asia. (GIGA Focus Nahost, 7). Hamburg: German Institute for Global and Area Studies (GIGA) - Leibniz-Institut für Globale und Regionale Studien, Institut für Nahost-Studien. <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoa-76658-1>

Gilpin Robert G. (1984). The richness of the tradition of political Realism. *International Organization*, 38 (2), 287-304

Greene, R. (2023). The Difficult Realities of the BRICS' Dedollarization Efforts and the Renminbi's Role. *Carnegie Endowment for International Peace Publications Department 1779 Massachusetts Avenue NW Washington, DC 20036*

Grieco. J. M. (1988). Anarchy and the limits of cooperation: a realist critique of the newest liberal institutionalism. *international organization*, 42 (3), 485-507

Karbalaei, A. (2023). *BRICS considering alternative to SWIFT*. Available at: <https://www.tehrantimes.com/news/489649/BRICS-considering-alternative-to-SWIFT>

Martin, L, and brth, SW. (2012). International Organizations and Institutions. *handbook of international relations*, 5769-Carlsnaes_13.indd 330

Morazan. P., knoke, I., Knoblauch, D. and Schafer, T. (2012), the role of brics



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۳، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

in the developing world. *Policy Department DG External Policies*, directorate-general for external policies of the union directorate b policy department, Editorial closing date: 13 April 2012. © European Union, 2012

L. (2013). Cooperation and Competition among the BRICS Countries Mottet and Other Emerging Powers. *French Centre for Research on Contemporary .(China (CEFC*

Official website of Russia's 2020 BRICS Presidency. (2020). *Strategy for BRICS Economic Partnership 2025*. <https://eng.brics-russia2020.ru/documents>

Ozkan, E. and Hakan, C. (2016). The Realist and Liberal Positions on the Role of International Organizations in Maintaining World Order. *European Scientific Journal June 2016 edition*, 12 (17), ISSN: 1857 – 7881 (Print) e - ISSN 1857- 7431

Rakhmatullozoda, E. (2024). *Iran and BRICS: realities, expectations and prospects*. https://www.lihachev.ru/chten_eng/2024/reports/ Rakhmatullozoda_E_en_2024.pdf

R. (2019). *BRICS and Sovereign Internationalism*. available in: <https://kar.kent.ac.uk>, Kent Academic Repository

Salzman. R. S. (2015). From bridge to bulwark: the evolution of BRICS in Russian grand strategy". *Comilla's Journal of International Relations* | n° 03 | .[001-012 [2015] [ISSN 2386-5776

Saraswat, D. (2021). Iran's Foreign Policy Outlook under Ebrahim Raisi's Government and its SCO Membership. *Indian Council of World Affairs*, New Delhi, https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=6398&lid=4402

Schollmann, W. (2014). The BRICS Bank and Reserve Arrangement: towards a new global financial framework?. *EPRS | European Parliamentary Research .Service*

Singh, S. (2014). BRICS and the World Order: A Beginner's Guide", *South African Institute of International Affairs*, Date Written: May 30, 2014

Sultan, B. (2016). China's Role in BRICS & Relevance to GCC-China Relations: Complementarities & Conflicting Interests. *Journal of Middle Eastern) and Islamic Studies (in Asia)*, 10

-



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۳، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس

The Economist Intelligence Unit Limited (2023). *BRICS+ impact: plaudits*

/and brickbats. available in: <https://www.eiu.com>

Valizadeh, A. and, Houshialsadat, M. (2013), Iran and the BRICS: The Energy Factor. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 4 (20), 165-190



سال سوم، شماره
۲، پیاپی ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۳، دیپلماسی
سازمان‌های
بین‌المللی؛ ایران و
عضویت در بریکس